

تحلیل هیدروپلیتیکی ساختار نوین روابط بین‌الملل (مطالعه موردی: ایران و افغانستان)

ابوالفضل اخباری^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد اخباری

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی اصغر اسماعیل پورروشن

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محسن رنجبر

دانشیار گروه جغرافیای ژئومورفولوژی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بتول باهک

استادیار گروه جغرافیای اقلیم شناسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

چکیده

مسائل اختلافات آبی در سیاست خارجی کشورها در تقابل با یکدیگر، از جمله عواملی می‌باشد که در به خطر افتادن منافع ملی تأثیرگذار بوده است و در این راستا جمهوری اسلامی ایران نیز در دهه‌های اخیر اختلافات هیدروپلیتیکی گسترده‌ای با همسایگان خود به ویژه افغانستان بر سر دو رود هیرمند و هریر رود داشته است. هدف از پژوهش حاضر، شناسایی مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیک در جهت توسعه روابط بین‌الملل میان دو کشور ایران و افغانستان و نیز تأثیرات اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان بر معادلات منطقه‌ای به ویژه تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. تحقیق حاضر بر اساس روش، از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی - توسعه‌ای بوده که حجم نمونه آن تعداد ۴۰ نفر از جامعه آماری کارشناسان و اساتید دانشگاه حوزه مربوطه تخمین زده شد. نتایج تحقیق نشان داد که آلودگی منابع آب، تغییر مسیر و دست‌درازی به آب رودخانه‌ها و کنترل آن‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، از جمله مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در روابط دو کشور محسوب می‌شود و همچنین اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان بحران‌های امنیتی، اجتماعی و اقتصادی را برای ایران در پی خواهد داشت.

کلمات کلیدی: هیدروپلیتیک، منافع ملی، روابط بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری افغانستان.

مقدمه

کمبود منابع و ذخایر آب شیرین تجدید شونده یکی از تهدیدات اساسی و چالش‌های پایدار قرن بیست و یکم است که آینده زندگی بشر را در این کره خاکی به شدت مورد تهدید قرار داده است و با افزایش تقاضا برای منابع آب در بسیاری از مناطق جهان، این عنصر حیاتی تبدیل به عاملی برجسته در روابط سیاسی بین کشورها شده و احتمال وقوع منازعه و درگیری بر سر آن تشدید می‌گردد که در این صورت رودخانه‌های بین‌المللی و مرزی، محل منازعه و درگیری خواهند بود. در واقع امروزه آب به صورت یک موضوع ژئوپلیتیکی تجلی پیدا کرده است و بر روابط کشورها تأثیر می‌گذارد. اگرچه آب‌های مشترک نظیر رودخانه‌ها، دریاها و دریاچه‌ها سبب آغاز همکاری‌های مشترک و انعقاد پیمان‌های متعدد می‌گردد، ولی به دلیل تبدیل شدن آن به یک منبع کمیاب، رقابت و درگیری را بین ملت‌ها تشدید می‌کند. (احمدیان و ناصری، ۱۳۹۲).

کمبود منابع می‌تواند تنش‌های موجود را افزایش دهند یا تنش‌های جدید به وجود آورند و آب از این قاعده مستثنا نیست. امروزه کمبود منابع آب به همراه افزایش بسیار فزاینده تقاضای مصرف در بخش شهری، صنایع و کشاورزی (اسمیت و هدفیلد، ۱۳۹۱). به بزرگ‌ترین کابوس و چالش دولتمردان کشورها به ویژه کشورهای خشک و نیمه‌خشک تبدیل شده است. بسیار از کشورهای خاورمیانه با کشورهای همسایه دارای آبخانه‌های مشترکی هستند؛ در جاهایی که آب‌ها، مرزهای بین‌المللی را تشکیل می‌دهند که در هر پنج قاره جهان مواردی را می‌توان یافت، تغییرات ناشی از تغییر اقلیم بر روی شکل اراضی می‌تواند بستر منازعه را فراهم کند. همچنین انتقال آب از حوضه رودخانه به حوضه‌های دیگر در صورتی که با عبور از مرزهای بین‌المللی مواجه باشد، معمولاً به طرز بازدارنده‌ای بحران‌زا خواهد شد. تا به امروز ۳۰۰ پیمان بین کشورهای جهان برای حل مسائل مورد مختص به منابع آب منعقد شده است و در ۲۰۰۰ پیمان، بندهایی درباره آب منظور گردیده است. با این وجود، مدیریت هماهنگ حوضه‌های آبریز بین‌المللی به جای اینکه قاعده باشد، یک استثنا است. متأسفانه قوانین موجود در مورد نحوه بهره‌برداری از آب‌های بین‌المللی کمک مؤثری به حال این رویارویی نمی‌کند. (آذریپور و کریم، ۱۳۹۷) در واقع آب می‌تواند به صورت جرقه‌ای در رویارویی‌های مناطقی تبدیل شود که در آن‌ها رقابت‌های قومی و سیاسی، سابقه‌ای دیرینه دارد. در واقع، پاره‌ای از تحلیلگران بر این باورند که در عرض یک دهه آینده، آب به عنوان یک کالای کمیاب و گران‌قیمت به جای نفت در مرکز رویارویی‌ها و آشتی‌ها قرار خواهد گرفت (بای، ۱۳۹۴).

کشور ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد و میزان بارندگی آن حدود ۲۴۰ میلی‌متر است که کمتر از یک سوم متوسط جهانی است ولی تنها ۳۶ درصد بارش‌های سالانه را دریافت می‌کند و در حال حاضر متوسط سرانه آب قابل تجدید کمتر از ۱۵۰۰ مترمکعب در سال است که در حال نزدیک شدن به آستانه بحران است (برادن و شلی، ۱۳۸۴). با این وضعیت و همچنین با افزایش جمعیت، افزایش تقاضا در راستای اقدامات صنعتی و کشاورزی، افزایش سدها، افزایش تحریم‌های ظالمانه پساب‌برجام و به دنبال آن نیاز به افزایش خدمات و افزایش تقاضا برای بهداشت و احداث بیش از حد شهرهای جدید در کشور موجب افزایش مصرف آب در کشور شده است که این مسئله خود شرایط بحران آب را برای کشور به وجود آورده است و از همین رو در راستای تأمین منابع آب کشور، جمهوری اسلامی ایران وارد تنش‌ها و بحران‌هایی بین‌المللی با همسایگان خود بر سر

مسائل آب شده است. اصلی‌ترین رودخانه‌های بین‌المللی و مرزی ایران عبارت‌اند از: اترک، ارس، هیرمند و هریرود که با توجه به کمبود آب کشور در استان‌های شرقی و مرکزی نظیر سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کرمان، این چنین به نظر می‌آید که نیاز کشور به دو رود هیرمند و هریرود بیشتر از سایر رودهای مرزی احساس می‌شود. در حال حاضر نیز حضور آمریکائی‌ها در افغانستان، این کشور را در موقعیت مناسب‌تری نسبت به ایران قرار داده است که می‌تواند در موضوع رودخانه‌های هریرود و هیرمند، مشکلاتی را برای ایران ایجاد نماید (بزرگ-زاده، ۱۳۹۷).

بر این اساس حل بحران کم آبی در شرق، نیاز به دیپلماسی قوی و برقراری رابطه خوب با جامعه جهانی و دولت افغانستان با پشتوانه سازمان ملل است. ثبات در افغانستان و نابودی القاعده و دیگر گروه‌های آشوب‌گر و شورشی را باید یک اولویت و ضرورت برای منافع ملی ایران دانست. سرمایه‌گذاری در افغانستان و کمک به توسعه و ثبات این کشور از دیگر استراتژی‌های ایران در افغانستان است. ایران از طریق این کمک‌ها و تحت استراتژی ژئوپلیتیک موازی اولاً از نفوذ لازم بر تصمیم‌گیری‌های دولت افغانستان برخوردار شود. ثانیاً اینکه به توافق با این کشور درباره مشکل تقسیم آب هیرمند دست یابد. از جمله ابزار دیپلماسی، برای همکاری‌های بهتر و بیشتر بین ایران و افغانستان توجه لازم به ویژگی محصور در خشکی بودن افغانستان و ویژگی گذرگاهی و کریدوری ایران برای این کشور را می‌توان نام برد که ایران می‌تواند با در اختیار قرار دادن تسهیلاتی برای ایجاد شرایط واردات و صادرات برای افغانستان از فضای جغرافیایی ایران و بنادر و سواحل جنوب، این تعامل و همکاری را افزایش دهد (بس کر، ۱۳۷۲).

در سال‌های اخیر افغانستان بر سر راه رودخانه هیرمند سدها و استخرهایی را احداث نموده که خود سبب کمبود آب رود هیرمند و در نتیجه خشک‌سالی در سیستان و بلوچستان ایران شده است که این اقدام افغان‌ها، مشکلات و بحران‌های متعددی از جمله کمبود منابع آب و کاهش کشاورزی و تعطیلی تعداد زیادی کارخانه در استان را به وجود آورده است، و همواره افغانستان از رود هیرمند به عنوان اهرمی در فشار بر ایران به هنگام مذاکره‌های مختلف استفاده می‌نماید. رود پر مناقشه‌ی دیگر نیز رود هریرود است که در سال‌های گذشته دو کشور ایران و ترکمنستان بر اساس توافقی دو طرفه سد دوستی را در احداث نمودند که به موجب آن هر دو کشور به طور برابر و مساوی از امتیازات سد نظیر مصرف آب و انرژی استفاده نمایند ولی در چند سال اخیر افغانستان با حمایت آمریکا و عربستان سعودی دست کم دو سد را بر سر راه رود هریرود احداث نموده که در صورت اتمام کارهای اجرایی سد و بهره‌برداری افغانستان از دو سد یاد شده، این سدها بر روی روان آب سد دوستی و کیفیت آب آن تأثیر منفی خواهد داشت و این امر خود می‌تواند بحران‌های منطقه را تشدید کرده و بر روابط دو جانبه دو کشور لطمه‌ای اساسی وارد نماید (بهرج و همکاران، ۱۳۹۷).

در واقع سد دوستی از جمله اصلی‌ترین مسائل مهم هیدروپلیتیکی شرق کشور است که امروزه بخش عمده‌ای از آب آشامیدنی بسیاری از شهرهای خراسان رضوی از جمله مشهد و شهرهای خراسان جنوبی از این سد تأمین می‌گردد. با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران و قرارگیری در حوضه‌های آبی مشترک با همسایگان شرقی و غربی از یک سو و افزایش ناآرامی‌های سیاسی در خاورمیانه، بحران تحریم‌های پسابرجام و جدی‌تر شدن منازعات داخلی

و منطقه‌ای بر سر آب از سوی دیگر، به‌کارگیری تمام توان دیپلماسی کشور را بیش‌ازپیش ضروری می‌نماید و در واقع ایران در تلاش است که با بهبود روابط بر همسایگان، بحران‌های خود را کاهش داده و به سوی روندی رو به توسعه گام بردارد. از جمله اقداماتی که ایران در سال‌های اخیر در راستای بهبود روابط با افغانستان انجام نموده، احداث منطقه آزاد چابهار و اختصاص آن به کشور هند در راستای حل بحران‌های اقتصادی افغانستان می‌باشد (پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۹۰). در واقع با توجه به اختلافات ژئوپلیتیکی گسترده دو کشور، افزایش نفوذ دشمنان قسم خورده ایران در سیاست افغانستان و بحران کمبود آب در دو کشور ایران و افغانستان، امروزه شرایط به طوری پیچیده شده است که اقدامات مخرب افغانستان در رابطه با دو رودخانه هیرمند و هریر رود می‌تواند تنش‌های میان دو کشور را افزایش داده و حتی بحران‌های جدیدی را در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی برای دو کشور به وجود آورد. حال با توجه به مسائل پیچیده منطقه و بحران‌های جدیدی را در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی برای دو کشور به وجود آورد. حال با توجه به مسائل پیچیده منطقه و بحران‌های ناشی از آب پرسش اصلی این مسئله است که عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در روابط ایران و افغانستان شامل چه مواردی می‌باشد و اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان چه تبعاتی برای جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت؟

رویکرد نظری

پیتر هاگت معتقد است عوامل جغرافیایی به همان اندازه که در تعیین روابط و سیاست خارجی کشورها نقش دارند، در ایجاد تنش و ناامنی نیز می‌توانند دخیل باشند، این موضوع به ویژه در پنجاه سال اخیر دچار دگرگونی عظیمی شده است. در این راستا پیتر هاگت جغرافیدانان برجسته انگلیسی مدلی را ارائه کرده که در آن منابع جغرافیایی تنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را مطرح شده است. پیتر هاگت ۱۲ عامل را به عنوان منابع جغرافیایی ناامنی در مدل خود مطرح کرده است عبارت انداز:

- ۱- مشکل اول ناشی از محصور بودن کشور فرضی در خشکی و عدم دسترسی آن آب‌های آزاد است
- ۲- مشکل دوم اختلاف کشور فرضی با کشور همسایه در تعیین مکان خط مستقیم آب است که معمولاً این وضعیت در مناطق کوهستانی دیده می‌شود (پارسا، ۱۳۹۱)
- ۳- مشکل سوم فرضی رود پرپیچ و خمی است که مرز سیاسی میان کشور فرضی و کشور همسایه را تشکیل می‌دهد. این رودخانه گاهی مسیر خود را به کلی تغییر می‌دهد.
- ۴- مشکل چهارم کشور فرضی از نظر هاگت ناشی از مرز آبی است که تعیین خط مرزی در آن به ویژه در صورتی که رودخانه قابل کشتی‌رانی باشد..
- ۵- مشکل پنجم کشور فرضی ناشی از رودی است که کشور فرضی وارد خاک کشور همسایه می‌شود که مسئله تقسیم آب آن می‌تواند مشکل‌ساز باشد
- ۶- مشکل ششم کشور فرضی ناشی از وجود یک اقلیت قومی زبانی در کنار مرز کشور فرضی با کشور همسایه است. این اقلیت به اکثریت آن‌سوی مرز علاقه مند است (پوهنمل نجیب، ۱۳۹۵).
- ۷- مشکل هفتم کشور فرضی ناشی از وجود یک گروه قومی است که نیمی از آن در کشور فرضی و نیمی دیگر در کشور همسایه زندگی می‌کنند. این دو اقلیت تمایل به تشکیل یک دولت مستقل دارند.

۸- مشکل هشتم فرضی از نظر هاگت مربوط به عشایر کوچانده‌ای است که برای چرای دام‌هایشان از مراتع هر دو سوی مرز استفاده می‌کنند (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۷).

۹- مشکل نهم کشور فرضی ناشی از یک گروه اقلیت منسجم در داخل دولت فرضی است که خواهان استقلال است

۱۰- مشکل دهم کشور فرضی ناشی از وجود منع طبیعی دارای ارزش بین‌المللی و استراتژیک است که واقع شدن آن در کنار مرز می‌تواند تنش‌زا باشد.

۱۱- مشکل یازدهم کشور فرضی مربوط به یک منبع طبیعی مشترک میان کشور فرضی و همسایه آن نظیر یک میدان نفتی که بهره‌برداری یک جانبه از آن می‌تواند تنش‌زا باشد

۱۲- مشکل دوازدهم مربوط به وجود یک مراکز سیاسی و اقتصادی بسیار حیاتی در مرز شمالی کشور فرضی است و اهمیت آن حدی است که دولت فرضی برای حفظ امنیت آن بر یک منطقه نیم‌دایره‌ای، از خاک همسایه ادعای ارضی می‌کند (حسین پور مطلق، ۱۳۸۹).

نظریه‌های حقوقی آب‌های مشترک

آب یک منبع حیاتی و منحصر به فرد است که هیچ جانشینی برای آن پیش‌بینی نمی‌شود. در آغاز هزاره جدید، کمبود آب، زندگی بخش مهمی از انسان‌ها را با تهدید روبه‌رو ساخته است و نیاز فزاینده به آب، تغییر الگوهای مصرف، از بین رفتن منابع طبیعی و توسعه بیابان‌ها، آلودگی و فقدان زیرساخت‌های مناسب بشر را به سوی بحران جهانی آب سوق می‌دهد (حیدرزاده، ۱۳۹۴).

یونسکو به دلیل اهمیت کاهش آب شیرین در مقاله‌ای تحت عنوان قیمت آب چند است، سعی نموده بحران در حال رشد آب را مورد توجه قرار دهد. این سازمان فرهنگی از یکصد و پنجاه دانشمند جهت بررسی این بحران دعوت نمود. در این مقاله از امکان وجود بازار بین‌المللی آب و داد و ستد آن بین دولت‌ها بحث شده و بر این نکته تأکید شده که مقدار کمی از مردم بر کمبود آب شیرین آگاهی دارند. مردم نمی‌دانند که ۹۷٫۵ درصد آب کره زمین شور است و فقط ۲٫۵ درصد آب‌ها شیرین‌اند که از این ۲٫۵ درصد حدود ۷۰ درصد در قطب‌ها و مناطق یخبندان قرار دارند (رضایی، ۱۳۹۵).

نازلی چورسی و رابرت نورث معتقدند که: جنگ‌های اول و دوم جهانی عمدتاً سر منابع کمیاب و تجدید ناپذیر رخ دادند. در حال حاضر چه کشورهای مدرن و چه کشورهای جهان سوم به شدت وابسته به منابع تجدید پذیر بر سر هر دو منبع با هم درگیر خواهند بود. البته این درگیری برای منابع تجدید پذیر کمتر خواهد بود.

اما در مورد آب وضع تفاوت خواهد کرد زیرا بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان در حوزه ۲۱۴ رودخانه مشترک زندگی می‌کنند که همگی به آب آن رودخانه‌ها نیاز دارند، حتی برای تولید و کاربرد در نیروی نظامی. بر این اساس بود که در اجلاس آگوست ۱۹۹۵ اسماعیل سراج‌الدین نایب رئیس بانک جهانی درباره توسعه پایه‌ای زیست‌محیطی اعلام داشت (جنگ‌های قرن آینده بر سر آب خواهد بود، نه نفت) (سامعی، ۱۳۹۸)

از نظر بین‌المللی پتانسیل اختلاف و نزاع بر سر آب به این دلیل است که قانون بین‌المللی آب که ناظر بر بهره‌برداری آب است، بسیار ضعیف نوشته شده، ضد و نقیض بوده و ضمانت اجرا ندارد. بنابراین تعجب‌آور نیست که دعوا بر سر آب یک سابقه طولانی دارد و همان‌گونه که بعضی پیش‌بینی می‌کنند جنگ بر سر آب در قرن ۲۱ اجتناب‌ناپذیر

است؛ اما در این رابطه هنوز به این پرسش پاسخ داده نشده که چرا احتمالاً جنگ‌های قرن ۲۱ بر سر آب است (شمس حبیبی، ۱۳۹۷).

با وجود پیچیدگی قضیه آب، آب‌های بین‌المللی در حوضه‌هایی که نسبتاً از نهادها و گروه‌های کاری مشترک و معتبر برخوردار بوده‌اند به صورت یک عامل اتحاد و همکاری بین کشورها در آمده است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که منازعات بین‌المللی آب حتی بین کشورهای متخاصم قابل حل و فصل است. برخی از کشورهای متخاصم وقتی در مورد همکاری آب مذاکره نموده و به توافق رسیده‌اند با ایجاد نهادهای مشترک همکاری، دشمنی آن‌ها نیز به صلح منجر گردیده است (شوقی جوان و احمدی، ۱۳۹۵).

کمیته مکنگ به طور نمونه به‌عنوان یک نهاد بین دولت‌ها در سال ۱۹۵۷ توسط دولت‌های کامبوج، لائوس، تایلند و ویتنام تشکیل و این کشورها از طریق کمیته مشترک داده‌ها و اطلاعات خود را در زمینه منابع آب در جنگ ویتنام با هم مبادله می‌کردند. اسرائیل و اردن هاشمی از زمان مذاکرات جانستون در سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ به صورت مخفی دور میز مذاکره نشسته‌اند اگرچه از نظر سیاسی این دو کشور از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ در حالت جنگ با یکدیگر به سر می‌برده‌اند. کمیسیون رودخانه سند حتی دو جنگ مهم هند و پاکستان را پشت سر گذاشته است. کل ۱۰ کشور حلقه بر از رود نیل علی‌رغم جنگ آب کشورهای بالادست و کشورهای پایین‌دست، در دهه اول قرن ۲۱ درگیر مذاکرات در سطح مقامات ارشد کشورها می‌باشند تا یک همکاری حوضه‌ای ایجاد نمایند (صادقی، ۱۳۹۵).

نظریه هارمون

این نظریه هر نوع استفاده از آب رودخانه مشترک را برای هر کشوری که تمامیت ارضی بر آن رودخانه دارد کاملاً مجاز می‌داند. جانسون هارمون یک ژنرال صاحب مقام آمریکایی بود که در سال ۱۸۹۵ نظریه خود را مبنی بر حق هرگونه استفاده از آب رودخانه‌ای که در کشوری قرار دارد، و یا از آن می‌گذرد اعلام نمود. به نظر هارمون وقتی رودخانه‌ای از داخل کشوری می‌گذرد با توجه به حق مطلق تمامیت ارضی، آن کشور می‌تواند حتی با تلف کردن آب بدون توجه به اینکه کشور پایین‌دست چه مشکلی خواهد داشت، از آن استفاده کند و این کشور هیچ‌گونه الزامی به پرداخت خسارت به کشور پایین‌دست ندارد (صالح آبادی، ۱۳۹۳).

این نظریه توسط شاگردان هارمون رد شده است و بعداً به طور رسمی توسط کشور آمریکا لغو گردید و هرگز در هیچ قراردادی بکار گرفته نشد و هرگز به‌عنوان منبع قانون در هیچ دادرسی حقوقی به‌عنوان قضاوت بکار نرفت. در دادرسی بین‌المللی دریاچه لانوکس در ۱۹۵۷ این اصل مردود شناخته شد. با وجود این، دکترین هارمون به‌عنوان یک نظریه از طرف برخی در مراجع بین‌المللی بیش از اندازه مورد تأکید قرار گرفت (صالح عقیلی، ۱۳۹۸).

نظریه حق حاکمیت مطلق

دومین نظریه عنوان شده برای بهره‌برداری از رود مشترک که به شدت مورد حمایت کشورهای پایین‌دست قرار گرفت "حق حاکمیت مطلق قلمرو" عنوان گرفت. این نظریه کشورهای حاشیه رود مشترک را محق می‌داند از آب رود مشترک بهره‌برداری نمایند. ولی این بهره‌برداری نباید به قطع یا کاهش آب در کشور پایین‌دست منجر شود. هر کشور بهره‌بردار از رود مشترکی که از کشوری بالادست می‌آید و در آن کشور جاری است، حق ندارد جریان آب

کشور ثالث و دیگر کشورهای حلقه دار را کاهش دهد. این نظریه که بهره‌برداری هر کشور بالادست را محدود به عدم کاهش جریان آب به کشور پایین دست می‌داند، دقیقاً عکس فرضیه هارمون است (صدرانیا، ۱۳۹۷).

نظریه بهره‌برداری همسان و منطقی

این نظریه اعلام می‌دارد هر کشور بهره‌بردار از رود مشترک حق استفاده از رود مشترک بین‌المللی را خواهد داشت، ولی بایستی بهره‌برداری طوری صورت گیرد که هیچ‌گونه خسارت کمی یا کیفی به کشور دیگر نداشته باشد. این نظریه محدودیتی هم برای فرضیه هارمون و هم زیاده‌طلبی که مورد ادعای کشور پایین دست است، ایجاد می‌کند. این نظریه، بهره‌برداری "همسان و منطقی" را برای هر کشور حاشیه رود مشترک در نظر می‌گیرد (صفوی، ۱۳۸۸).

نظریه همکاری مشترک و تعاون کشورهای حلقه

این نظریه همکاری مشترک و تعاون کشورهای حلقه بر را در قالب یک نهاد قانونی خواستار می‌شود. فلسفه وجودی این نظریه این است که کل رودخانه در مسیر خود از داخل کشورها باید به عنوان یک واحد اقتصادی تلقی شود و منافع آن بایستی بین کل کشورها تقسیم شود. این اصل دنباله همان اصل ۳ است، ولی حق بهره‌برداری و استفاده از رود به همه کشورهای حاشیه رود بر می‌گردد که از طریق تعاون و همکاری به حقوق خود نسبت به سهمی که دارند خواهند رسید. این اصل مورد قبول کلیه کشورها نیست و تقسیم سود بین کشورها مستلزم ایجاد یک تعاونی چند ملیتی است و برای رسیدن به نتیجه بایستی عهدنامه‌ها و قراردادهای حقوقی مورد قبول کلیه کشورها تهیه و به تصویب همه برسد. این پروسه بسیار طولانی بوده و بعضی کشورها را از بهره‌برداری در کوتاه مدت محروم می‌سازد. این اصل به رقابت‌پذیری کشورها در برداشت هرچه بیشتر آب اعتقاد ندارد و توزیع آب را به صورت همسان و منطقی برای همه کشورها در قالب قراردادها و موافقت‌نامه‌های چندگانه خواستار است (عبدی و مختاری، ۱۳۸۴).

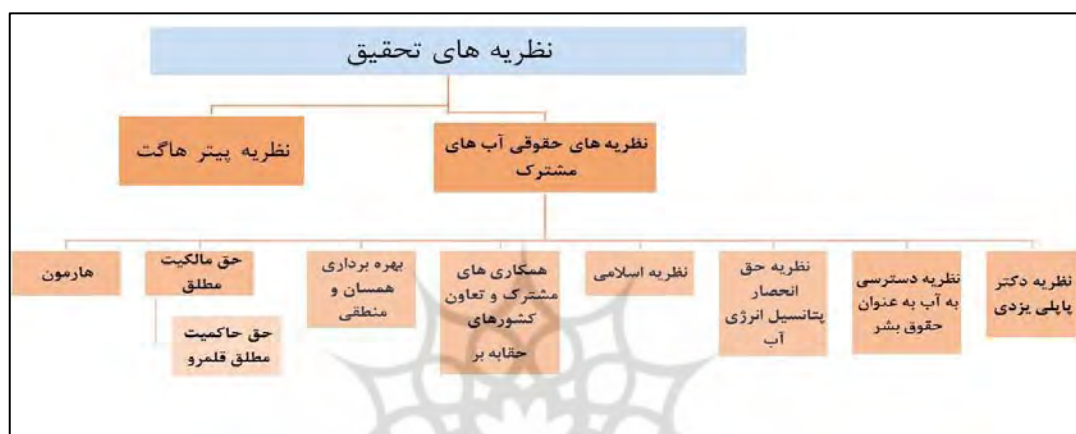
نظریه حق انحصار پتانسیل انرژی آب

هنگامی که عراق با ساخت سد در ترکیه بر روی دجله و فرات به مخالفت برخاست، دولت ترکیه اعلام کرد منابع آب هر کشور منابع طبیعی آن کشور است و هرگونه بخاورد از آن استفاده می‌کند. همان‌طور که ترکیه از عراق نمی‌پرسد با منابع نفت خود چه می‌کند عراق نیز نباید در مورد منابع آب ترکیه چیزی بداند. رئیس‌جمهور وقت ترکیه تورگوت اوزال تصمیم گرفت ۲۹ سد روی رود دجله و فرات احداث نماید. سد آتاتورک بخشی از پروژه آناتولیا یا GAP است. پروژه GAP برای این طراحی شد که ترکیه بتواند علاوه بر تأمین برق منطقه، آب مورد نیاز کشاورزی را به وسعت ۱,۷ میلیون هکتار در زمین‌های خشک و نیمه‌خشک تأمین نماید. با اجرای این پروژه ترکیه قادر خواهد بود غذای مورد نیاز بیشتر منطقه خاورمیانه را تولید کند. ترکیه در زمان برگزاری کنگره جهانی آب در آنتالیا در مارس ۲۰۰۷ به طور غیر مستقیم به تغییر موضع خود در سیاست‌گذاری‌های آب اشاره کرد. در این کنگره، ترکیه مدلی برای تقسیم عادلانه آب‌هایی که از مرز کشورش عبور می‌کند را پذیرفت و پیشنهاد نمود که اختلافاتش با کشورهای سوریه، عراق، ایران، بلغارستان، گرجستان، و یونان بر سر مدیریت آب‌ها با گفتگوهای دوجانبه

حل و فصل شود و تصریح کرد که حاضر نیست پای نیروی سومی در مسائل اختلافی آب باز شود (عزتی و همکاران، ۱۳۹۰).

نظریه دسترسی به آب به عنوان حقوق اولیه بشر

ژاک شیراک رئیس‌جمهور وقت فرانسه در مراسم گشایش سومین اجلاس جهانی آب که در کیوتو در مارس ۲۰۰۳ برگزار شد، درخواست کرد که "دسترسی به آب به عنوان حق اولیه بشر" شناخته شود. در این اجلاس، انگلستان نیز پیشنهاد نمود که وزرای مربوطه در ابتدا این مسئله را در سطح ملی بررسی نمایند؛ اما در نهایت این متن هیچ اشاره‌ای به حقایق نگرد (عسگری، ۱۳۸۱).



نمودار ۱: طرح کلی مبانی نظری تحقیق

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

محیط مورد مطالعه

هر چند تحلیل روابط افغانستان با ایران در قرن نوزده تنها در سایه بررسی نقش بریتانیا و روسیه امکان‌پذیر است، اما تمامی افغانستان از ایران به منزله شکل‌گیری مرزهای سیاسی جدید و به دنبال آن پیدایش روابط سیاسی تازه به موجب پیمان باری بود که تحت تأثیر متغیرهای مختلفی مانند موقعیت ژئوپلیتیکی و شکل جغرافیایی کشور. رودخانه مرزی هیرمند و غیره قرار داشت چنانچه پیش‌تر گفته شد، افغانستان و ایران تاریخ مشترکی داشتند و تا قبل از شورش احمدخان ابدالی افغانستان با ایران یکی بود. اولین حکومت در تاریخ معاصر ایران مربوط به تأسیس دولتی مستقل در خراسان توسط احمدشاه درانی بود. وی بعد از مرگ نادر شاه در سال ۱۷۳۷م سپاهیان را گرد آورد و همگی را مسلح نمود. او تحکیم بنیان و وحدت سیاسی افغانستان را اساس کار خود قرار داده و ۲۵ سال پر افغانستان حکومت کرد (قادری، ۱۳۹۷).

پس از درگذشت احمدشاه، تیمور فرزند و به پادشاهی رسید. او سیاست‌های پدرش را در زمینه عدم تبعیض قومی و مذهبی ادامه داد و در اداره امور دولت از غزلیات‌ها و هزاره‌ها استفاده نمود. او به زبان فارسی علاقه داشت و به آن زبان شعر می‌رود. وی پایتخت را از قندهار به کابل تغییر داد. او در ۱۷۸۵م با دختر عباس قلی خان بیات والی نیشابور ازدواج کرد تا بتواند روابط حسنه‌ای با ایران داشته باشد. (فرهنگ، ۱۹۷:۱۳۸۵)، در زمان وی که مقارن با مرگ کریم‌خان زند در ایران بود و هرج و مرج ملوک‌الطوایفی دولت مرکزی را از بین برده بود. افغانستان با ایران روابط سیاسی خاصی نداشت (قربان نژاد و حافظ نیا، ۱۳۹۶) وی در ۱۷۹۳م در گذشت و بعد از مرگش شاهزاده‌مان

فرزند پنجم و به سلطنت رسید، بایستی گفت در دوره هشت ساله حکومت فرستاد و در سیاست داخلی اش، که تقویت دولت مرکزی و تضعیف فئودالها بود تا اندازه‌ای موفق شد ولی در سیاست خارجی اش که خارج ساختن انگلستان از هند بود ناکام ماند و بهای سنگینی به خاطرش پرداخت پس از تیمورشاه، دوره کوتاه سلطنت زمانشاه آغاز شد که مصادف با حوادث عظیم سیاسی و اجتماعی در جهان بود. دو سال بعد از به تحت نشست و در افغانستان دولت قاجار در ایران تشکیل شد. فتحعلی شاه از محمود برادر زمانشاه برای رسیدن به حکومت حمایت کرد. شاه محمود که با حمایت ایران توانست زمانشاه را از سلطنت خلع و خود بر اریکه قدرت تکیه زند. به علت بی‌کفایتی در اداره کشور و الت دست بودن دولت قاجاریه به علت توطئه‌ای که علیه او رخ داد. از سلطنت خلع و برادرش شاه شجاع جانشین وی شد (قوم، ۱۳۸۶).

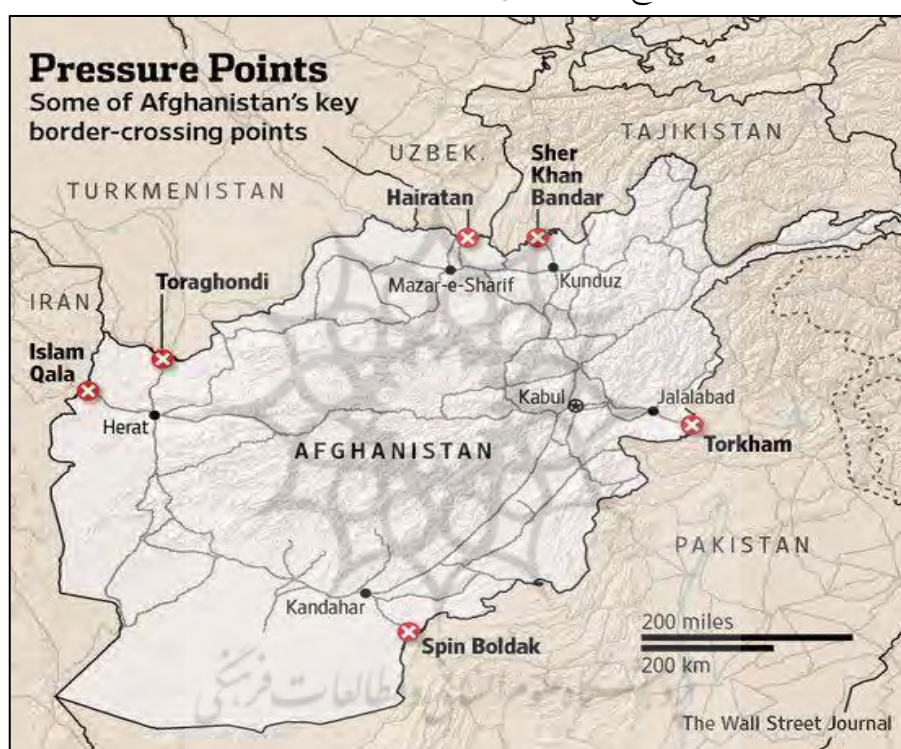


نقشه ۱: موقعیت کشور افغانستان

منبع: <https://www.nationsonline.org>

بعد شاه شجاع سلطان علی شاه و ایوب شاه از خاندان تری بر سر کار آمدند. مدتی نیز از سلسله بارگری‌های محمد اعظم خان و محمد افضل خان، شیر علی خان بر سر کار آمدند. در زمان توسست محمدخان در افغانستان بود که معاهده پاریس بین افغانستان و ایران با وساطت انگلستان بسته شد. در آن زمان ناصرالدین شاه در ایران بر سر کار آمده بود. وی که در صدد تسخیر هرات بوده در اوایل سال ۱۸۵۷م هرات را به تصرف خود درآورد. انگلیسی‌ها که متوجه پیروزی‌های ایرانیان شده بودند، به ایران اعلام چینینگ گردید. چون قبل از آن در ۲۶ ژانویه ۱۸۵۷م انگلستان با دوست محمدخان معاهده‌ای را امضا کردند که به دنبال آن افغانستان تحت‌الحمایه انگلیس می‌شد. در نتیجه انگلستان برای پشتیبانی از افغانستان به خلیج فارس و اراضی جنوبی ایران قشون کتی کرد و برخی از شهرها چون آبادان و خرمشهر و اموال و را تحت اشغال خود درآورد. ایران ابتدا برای امیر هرات مدعیانی را ایجاد و شورشی را در هرات به وجود آورد. سید محمدخان در این واقعه کشته شد و ناصرالدین شاه با توجه به اوضاع، عهدنامه

۲۵ ژانویه ۱۸۵۳م را عملاً لغو شده تلقی نمود، انگلستان تقاضی عهدنامه را بهانه کرد و به جنوب ایران حمله کرد. این تهدید نظامی زمینه را برای ایجاد صلح و عقد معاهده پاریس در فرانسه بین ایران و انگلستان فراهم کرد فصل پنجم و شش این عهدنامه زمینه را برای ایجاد مرزهای کنونی افغانستان و ایران فراهم کرد و همان‌طور که در ۱۸۲۸م روس‌ها علی معاهده‌های قفقاز را از ایران جدا کردند. انگلستان افغانستان را از ایران جدا کرد. در فصل شش عهدنامه آمده است که به موجب این معاهده، دولت ایران تعهد می‌سپارد که هرات و تمام خاک افغانستان را تخلیه نماید و از هر ادعایی نسبت به حکومت خود در هرات و تمامی افغانستان دست بردارد و بعدها از هرگونه ادعایی نسبت به آن صرف نظر کنند، و در حل اختلافاتی که بین افغانستان و ایران بروز می‌نمایند حکمیت انگلستان را بپذیرد انگلستان نیز پذیرفت تا قوای خود را از ایران خارج کند (کریمی، ۱۳۹۱).



نقشه ۲: مرزهای افغانستان و ایران

منبع: <https://www.pinterest.com>

روابط سیاسی ایران و افغانستان از معاهده پاریس تا کودتای ۲۷ آوریل ۱۹۷۸

مهم‌ترین قرارداد مرزی افغانستان در عهد امیر عبدالرحمن خلت قرارداد دیورانت است که در ۱۸۹۳ م بین افغانستان و حکومت انگلیسی هستند امضا شد و بر اساس آن مرزهای افغانستان با پاکستان شکل گرفت (کهربائیان و همکاران، ۱۳۹۳). زمانی که افغانستان درگیر جنگ و درگیری با پاکستان بوده ایران در ۱۸۸۵ هم برای به دست آوردن جلگه هشتادان که خاک تاریخی افغانستان بود به آن حمله کرد بعد از امیر عبدالرحمن خان ده ساله حکومت امان الله خان در سال ۱۹۱۹م آغاز شد که اولین پایه‌های روابط و سیاست خارجی به این دوره بازمی‌گردد در زمان سلطنت وی در افغانستان، سلسله قاجار منقرض شد و رضاشاه حاکمیت ایران را به دست گرفت در این دوره افغانستان باب دوستی و هم‌جواری با ایران را بازنمود و قراردادهایی چون قرارداد ۱۳۰۶ ه ش با ایران امضا

نمود (متقی و همکاران، ۱۳۹۷)، وی برخلاف اسلاف خود، اصل سیاست خود را بر استقلال کامل از بریتانیا قرار داده بود که در ابتدا از طرف بریتانیا با مشکلاتی نیز مواجه شد. ولی بدین واسطه توانست محبوبیتی میان مردم به دست آورد و در نهایت منجر به جنگ سوم افغان‌ها با پر بنایا شد. با وجود شکست افغان‌ها در بسیاری از جبهه‌های جنگ، در طی قراردادی کابل در مرداد ۱۲۹۸ ه ش (۸ آگوست ۱۹۱۹م) و قرارداد راولپندی در ۱۳۰۰ ش (۱۹۲۱م) استقلال خود را کسب کرد (مجتهد زاده، ۱۳۷۸).

امان الله خان که برنامه‌های خود را در آغاز سلطنت پر دو محور اصلی استقلال کشور از انگلیسی‌ها و نوسازی از راه ایجاد دگرگونی‌های ژرف در جامعه و اقتصاد افغانستان اعلام کرده بعد از استقلال برنامه اول خود را عملی نمود (مجتهدزاده، ۱۳۸۹) در همان دوران، در ایران رضاخان حکومت قاجار را منقرضی و سلسله پهلوی را بنیان نهاد که می‌توانست نقطه عطفی در مناسبات دو کشور باشد؛ اما خاطره تاریخی افغان‌ها از حاکمیت دولت‌های ایران در دوران گذشته، ترس و نگرانی دائمی افغان‌ها از اعمال حاکمیت دوباره ایران بر هرات و نواحی غربی کشور، سبب دوری افغان‌ها از ایران و نزدیکی آن‌ها به ترکیه و انعقاد قرارداد دفاعی شد (مختاری هشی، ۱۳۹۲). از آن جایی که سیاست ایران متمایل به روس و انگلی بوده امان الله خان در سال‌های اولیه بادامی رضاشاه، اصول سیاست خارجی خود را به گونه‌ای تنظیم کرده بود که موازنه‌ای بین سیاست روس و انگلیس و همچنین ایران و ترکیه در برابر افغانستان ایجاد گردد اما به علت تدروی در این سیاست گاهی زمینه‌های عدم اعتماد در دو طرف ایجاد می‌شد. (معدنی، ۱۳۹۶). امان الله خان در ۱۲۹۹ ه. ش (۱۹۲۰) سردار عبدالعزیز خان را به عنوان نماینده به ایران فرستاد وی مطالب خود را در چند فقره به ایران پیشنهاد کرد افتتاح روابط دوستانه ۲ مبادله سفرا ۳ ایجاد کنسولگری افغانستان در مشهد برقراری روابط تجاری (محمدی، ۱۳۹۰، ۴۳۲) دولت ایران نیز در پاسخی به اقدام دولت افغانستان میرزا نصرالله خان خلعتبری را به عنوان سفیر به کابل فرستاد معاهده دوستی بین دو کشور در قالب آماده در سال ۱۹۲۱م بین دو کشور امضا شد از آن جا که امان الله خان در صدد بود تا افغانستان را مدرن نماید، برای مدرنیزه شدن از آتاتورک تقلید نمود. ولی برخی برنامه‌هایش چون رفع حجاب زنان، تأسیس مدارس مشترک دخترانه و پسرانه و سبب مخالفت روحانیون با وی و شورش مردم علیه حکومت او شد (علی‌آبادی، ۱۳۷۵: ۱۴۳).

ادامه مخالفت‌ها با امان الله منجر به پیدایش قیام‌هایی در افغانستان شد، که یکی از آن‌ها قیام حبیب‌الله کلکانی مشهور به بچه سقا بود که زمینه سقوط امان الله خان و فرار وی به ایتالیا را در سال ۱۳۰۸ ش (۱۹۲۹م) فراهم ساخت (معصوم زاده سیار، ۱۳۹۷). یکی از مسائلی که مانع از روابط دوستانه این دو کشور می‌شد، مناقشه بر سر تقسیم آب رود هیرمند بود این مسئله در دوره پهلوی اول برای اولین بار در ۱۳۰۹ ش، پس از درگیری‌های مرز میان اتباع دو کشور و ممانعت دولت افغانستان از رسیدن آب رودخانه به ایران توجه رجال ایرانی را به خود جلب کرد. در نتیجه دولت ایران تشکیل یک کمیسیون را پیشنهاد داد (موسوی نیا، ۱۳۹۶)، هیاتی را نیز به سیستان اعزام کرد.

ریاست هیات ایرانی با امیر محمدخان شوکت الملک دوم امیر خزیمه قنات و سیستان بود. انتصاب او به این مأموریت ناشی از آگاهی وسیع او نسبت به مسئله و علایق شخصی و حکومتی او در آن محدوده بود. دیگر اعضای حیات عبارت بودند از سرهنگ فکری نماینده ارتش، بدیع‌الزمان مصباح و اسماعیل شیرازی. نمایندگان وزارت مالیه،

رفیع الملک رسته نماینده وزارت امور خارجه و محمدعلی منصف منشی ماند، ریاست هیئت افغانستان با عبدالرحمن خان رئیس مجلس افغانستان بود (میان‌آبادی، ۱۳۹۱).

در این مذاکرات ایرانی‌ها خواهان سهم برابر از آب هیرمند بودن دولت افغانستان برخلاف مفاد مندرج در حکمیت مک ماهون با خواسته نماینده ایران موافقت کرد ولی تمایل افغان‌ها به تقسیم آب هیرمند از نهر شاهی واقع در پایین بند کمال خان مورد موافقت ایران قرار نگرفت؛ زیرا طرف ایرانی خواستار تقسیم آب از بالای بند کمال خان بود تا بدین وسیله آب بیشتری به سیستان برسد ولی تقسیم آب هیرمند از نهر شاهی انجام شد. لذا چندان آبی به ایران تعلق نگرفت. بعد از مذاکرات طولانی، دولت ایران پذیرفت آب به طور مساوی بین چخانسور و سیستان تقسیم شود. مشروط بر این که محل تقسیم آب در چهار برجک باشد. دولت ایران حق داشته باشد کانالی در خاک افغانستان برای آبیاری روضدار احداث نماید که افغان‌ها فقط شرط دوم را پذیرفتند (هاگت، ۱۳۷۹) به این همه مذاکره، باز هم تنش بین دو طرف باقی ماند تا این که دو کشور بر سر محل بند کمال خان به توافق بچه سقا که مدت حکومتش نه ماه به درازا کشید. برنامه‌های نوسازی امان الله خان را متوقف و قانون اساسی را از میان برداشت او عطا الحق را که فردی آشنا به امور سیاسی بوده به عنوان وزیر امور خارجه افغانستان انتخاب و تمام معاهده‌های منعقد شده بین افغانستان و دیگر کشورها را به رسمیت شناخت؛ اما تمامی سفارت‌خانه‌ها در افغانستان، به جز ایران، ترکیه و شوروی در دوران وی تعطیل شدند (Boone, 2017)، در مورد روابط افغانستان و ایران در این دوره هیچ تحرک خاصی دیده نشده است و فقط روزنامه محلی افرادی که در هرات چاپ می‌شد. حجری درج کرد که از طرف بچه سند حاج محمود خان، ناچر هروی مقیم مشهد، به نمایندگی افغانستان در مشهد منصوب شده تا امور کنسولی این کشور را در آنجا اداره کنند، اما همین روزنامه در شماره بعدی آن را تکذیب نمود (Leithead, 2008) به عبارت دیگر تحرک خاصی در روابط خارجی در کشور دیده نمی‌شود.

روابط ایران و افغانستان از کودتای ۲۷ آوریل تا پایان دوره طالبان

بهبود مناسبات افغانستان و ایران، اختلافات بر سر تقسیم آب را نیز حل می‌کرد در قرارداد موقت ۱۳۹۵ هـ ش (۱۹۳۴م) هیئت‌های دو طرف آب رود هیرمند را از بند کمال خان تا لُخک نصف نصف به مدت یک سال بین خود تقسیم کردند، توافق کردند که هر دو طرف قادر باشند سهم آب خود را در هر جا که احتیاج داشته باشند از رودخانه جدا کنند (اسناد وزارت امور خارجه. شهریور ۱۳۹۵ کارتن ۳۳ پرونده ۳) با وجود انعقاد قرارداد موقت، افغان‌ها یک سال بعد نهر مبلک را مسدود کردند که با اعتراض ایران مواجه شد (Baranyai, 2020).

در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸م) باقر کاظمی برای ادامه مذاکرات برای حل اختلاف در مورد هیرمند در مقام سفیر ایران به افغانستان اعزام شد، قرار دادن در ۲۶ ژانویه ۱۹۳۹م مشتمل بر ۱۶ ماده و یک اعلامیه در کابل به امضای او و علی محمدخان، وزیر امور خارجه افغانستان، تصویب و تأیید شد. اعلامیه متمم آن در ۱۳۱۸ (۱۹۳۹م) از سوی مجلس شورای ملی ایران به تصویب رسید، مدتی بعد به امضای شاه رسید. مجلس شورای ملی افغانستان نیز قرارداد را تصویب اما اعلامیه متهم را رد کرد (Biba, 2018).

دولت افغانستان و ایران توافق کردند که هر ساله هر مقدار آب هیرمند که به بند کمال خان برسد را منصفانه بین خود تقسیم کنند. همچنین مأمورین و میر آب‌های مجاز طرفین همه ساله در فصل پاییز مقدار آبی را که به بند کمال

خان می‌رسد را تعیین می‌کنند و هم هر کشور را از آب‌های موجود در بند کمال خان تا سیخ سر را به طور مساوی معلوم می‌کنند (فخاری، ۱۳۷۱: ۵۱). گرچه این قرارداد از پیمان‌نامه‌های پیشین در راستای موازین موجود بین‌المللی و از دیدگاه ایران پیشرفت چشمگیری نسبت به حکمیت مک ماهون بود ولی نتوانست مهر پایانی بر اختلافات دو کشور باشد، زیرا افغان‌ها قادر به توافق میان خود نشدند. علاوه بر آن، به دلیل دگرگونی محیط سیاسی ایران، در خلال جنگ دوم جهانی و تبعید رضاشاه و روی کار آمدن دولت‌های ضعیف‌تر، افغان‌ها از تصویب پیمان سرباز زدند. مسئله هیرمند به دلیل عدم امکان واگذاری آن به دلیل جریان داشتن آب و وابستگی کامل حیات سیستان به آب هیرمند در زمان رضاخان لاینحل ماند در سال ۱۳۲۵م (۱۹۲۷م)، سفیر ایران در افغانستان پس از بازدید از آبراه انحرافی در افغانستان به دولتش گزارش داد که آن آبراه به درازای ۱۱۰ کیلومتر ساخته شده است و ژرفای آب در سراسر آبراه تو و نیم متر است. پهنای آن ۳۰ متر است که به تدریج کاهش یافته و سرانجام به ۱۲ متر می‌رسد. این کانال بین ۱۵ تا ۲۰ هزار فوت مکعب آبی را که باید به سیستان برسد منحرف می‌سازد. ساختمان دو سد بزرگ (سد میخوشی کجکی و سد انحرافی بغرا) در افغانستان در سال ۱۳۲۷ش (۱۹۴۹م) سر و صدای زیادی میان ایرانیان به راه انداخت. همزمان با انصراف ایران از طرح مسئله در شورای امنیت، چرچ آلن سفیر کبیر امریکا بنا به دستور دولت متبوع خود با نخست‌وزیر وقت ایران ملاقات و اظهار داشت در صورتی که نمایندگان افغانستان و ایران بخواهند. واشنگتن برای حل اختلاف فی‌مابین دو کشور وساطت و میانجی‌گری می‌کند، دولت ایران از پیشنهاد آمریکا استقبال کرد و به وزیرمختار خود در واشنگتن مأموریت آغاز مذاکرات را واگذار نمود. واشنگتن نیز به طرح دو سؤال از دو کشور پرداخت از جمله اینکه آیا دولت ایران خاطر است نتایج مطالعات یک کمیسیون بی‌طرف را در مورد میزان آب موجود، معارف سلوانی و ظرفیتی که بتوان آب هیرمند را اضافه و همچنین مقداری از مخارج این کمیسیون را بپذیرد. در این رابطه ایران پاسخ سؤالات به عمل آمده را تهیه و به وزارت خارجه آمریکا تسلیم نمود. متعاقب آن آمریکا پیشنهاد کرد که کمیسونی مرکب از سه نفر متخصص از اتباع دولت‌های بی‌طرف با موافقت افغانستان و ایران انتخاب شوند تا از ابتدا تا انتهای رود هیرمند را بررسی کرده و نظرات خود را در مورد موضوع هیرمند و نحوه استفاده از آب آن را به طرفین دعوی پیشنهاد نمایند (Conker & Hussein, 2019)

ضمناً دو مرحله برای انجام کار کمیسیون پیش‌بینی شده مرحله اول بررسی مسیر رود هیرمند از سرچشمه آن در خاک افغانستان تا انتهای آن در سیستان ایران شامل تعیین جریان آب رودخانه در گذشته و حال وضعیت آبراه‌ها - سدها و سایر تأسیساتی که در مسیر هیرمند احداث گردیده است و بررسی اثرات ناشی از آن‌ها در جریان آب رودخانه و تهیه گزارشی متضمن مراتب فوق تا تابستان ۱۳۲۷ش (۱۹۲۹م) در ثانی کمیسیون در این مرحله وظیفه داشت بر اساس مفاد گزارش تهیه شده و با رعایت اصول و سوابق مربوط به تقسیم آب رودخانه‌های بین‌المللی ترتیبی موقتی برای توزیع آب شیر هند به افغانستان و ایران پیشنهاد نهایت مرحله دوم، انجام مطالعات جامع، کافی و تهیه گزارشی دقیق درباره میزان آب مورد احتیاج برای زراعت حال و آینده برای افغانستان و ایران، تعیین میزان بارندگی و جریان آب در مسیر هیرمند و سرانجام تهیه یک نقشه جدید از حوزه دلتای رودخانه کمیسیون علاوه بر این وظیفه داشت بر این گزارش مرحله دوم و با توجه به تجربیاتی که در برقراری ترتیب موقت برای توزیع آب به دست آمده و با رعایت اصول و سوابق مربوط به تقسیم آب هیرمند و کلیه مواردی که مربوط به حوزه دلتای

رودخانه می‌شود، با ضوابط صریح و روشن، مطالعاتی را به عمل آورد و به عنوان توصیه به دولتین افغانستان و ایران ارائه نماید و در خاتمه دولت آمریکا پیشنهاد کرد در صورتی که طرفین ظرف مدت یک ماه پس از وصول نظرات کمیسیون با آن مخالفت نماید (Delang, 2006). آرای صادره برای طرفین الزام‌آور باشد (اسناد ریاست جمهوری شماره ۱۳۰۳۰. پرونده ۷۲۴۵، ۲۷ مرداد ۱۳۲۷) دولت ایران در سال ۱۳۴۷ هـ ش ضمن موافقت خود با تشکیل کمیسیون پیشنهاد کرد یک نفر نماینده از طرف هر یک از طرفین دعوا در کمیسیون مذکور شرکت نماید. همچنین اعلام اظهار تخطیر طرفین دعوا پس از نتیجه کار کمیسیون از یک ماه به دو ماه افزایش یافت. افغانستان نیز ضمن مخالفت با پیشنهاد ایران مبنی بر شرکت نمایندگان دو کشور در کمیسیون تحت شرایطی با تشکیل کمیسیون دلتای رود هیرمند موافقت نمود. ایران نیز در قبال شروط افغانستان معتقد بود که علاوه بر تأمین آب مورد نیاز سیستان، وظیفه اصلی کمیسیون باید تعیین سهم ایران از کل آب هیرمند باشد. بدین معنی که حقبه ایران از آب‌های اضافی که بر اثر طغیان رودخانه در سدها جمع‌آوری می‌شود نیز باید مشخص شود. در مرداد ماه ۱۳۲۷ هـ ش سفارت آمریکا طی یادمانی ضمن معرفی ۱۵ نفر کارشناس از ملیت‌های مختلف با ذکر تابعیت و کلیه مشخصات و سوابق علمی و عملی هر یک به دو دولت افغانستان و ایران پیشنهاد نمود کارشناسان مورد نظر خود را به ترتیب اولویت مشروط بر اینکه دو نفر دارای ملیت واحد نباشند، انتخاب نماید به نحوی که یک کارشناس ضایعات و تبحیرات آب یک کارشناس مربوط به مصرف آب و کارشناس سوم که در مسائل حقوقی مربوط به استفاده از آب رودخانه‌های بین‌المللی آگاهی داشته باشد. در این مورد به شورشی فرانسیسکو دومین گونز، تبعه شیلی، برابر لورک، نیمه آمریکا کریستوفر، شیء وب، تبعه کانادا، انتخاب شدند. پس از انتخاب اعضای کمیسیون، مذاکرات نمایندگان دو کشور در واشنگتن طی ۴۷ روز با اختلافات حتی به طول انجامید. در این میان نماینده افغانستان تمایل داشت که اختیارات کمیسیون محدود به اظهار نظر و فقط ناظر بر دلتای هیرمند (سیستان و چخانسور) باشد (Finegan, 1997). در مقابل دکتر خوشبین نماینده ایران خواستار اعطای اختیارات وسیع‌تری به کمیسیون بوده به طوری که کمیسیون بتواند در خصوص تعیین سهم طرفین و حق ایران از آب اضافی که بر اثر احداث سدهای کجکی و ارتش‌ناب جلوگیری می‌شود و همچنین استقرار ترتیبی برای اداره مشترک رود هیرمند توسط افغانستان و ایران. اهم مفاد گزارش کمیسیون دلتا از این قرار بود الف) قبول حق تقدم آب مصرفی سیستان نسبت به سایر مصارف ب) دولت افغانستان نباید در مسیر هیرمند اقداماتی نماید که موجب نقصان آب سهمی ایران شود ج) سهمیه آب هریک از طرفین در مواقع خشک‌سالی باید به نسبت آب سالیانه تقلیل یابد د) سد کجکی سدی است مخزنی و در مواقع طغیان آب‌های زائد را جمع‌آوری می‌نماید؛ بنابراین موجب توسعه طرح‌های عمرانی قسمت علیای رودخانه می‌شود، بدون آنکه نقصانی در آب سهمی ایران تولید نماید، ممسین سید ارغنداب تأثیری در عدم جریان آب دلتا نخواهد داشت. امکان دارد پس از تکمیل کار ساختمانی سد مخزنی کینگی نقشه‌های عمرانی طرح بغرا توسعه یابد، بدون اینکه ضرری به آبیاری ناحیه دلتا وارد آورد د) رد ارقام پیشنهادی ایران برای سهمیه ایران از آب هیرمند و تعیین حقبه کمتر (همان) در قسمتی از نتایج کمیسیون فوق تا حدی حقوق ایران در نظر گرفته شد؛ اما مابقی به ضرر ایران تدوین گردید. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (Folch, 2019).

۱) تعدیق حق تقدم آب مصرفی پستان نسبت به سایر مصارفی که بعد از ۱۳۲۸ ش (۱۹۵۰م) ایجاد می‌شد، حقوق ایران را در نظر نگرفته زیرا ممنوع داشتن افغانستان از حفر و احداث کانال و انهار جدید بعد از سال ۱۳۲۸هـ ش (۱۹۵۰م) یعنی درست پس از حفر و اتمام شهر سوراخ و بغرا بود؛ که به طور طبیعی مقدار بسیار زیادی از آب رودخانه هیرمند را از رسیدن به مقسم بند کمال خان جلوگیری می‌کرد و این موضوع تضييع حق ایران تلقی می‌شد (۲) مقدار آب مورد نیاز بتان از رود هیرمند که دولت ایران تقاضا نموده بود. مورد قبول کمیسیون واقع نگشت، حتی کمیسیون هیچ گونه اقدام عملی برای وقف شدن به میزان واقعی اراضی قابل کشت سیستان به عمل نیاورد که خود می‌توانست در تعیین سطح کشت و تصمیم‌گیری کمیسیون راهنما باشد (Fu Etal. 2009).

در خصوص سهم بوشن ایران در آب اضافی که به وسیله د کجکی و ارغنداب ذخیره می‌شد کمیسیون به طور صریح اظهار عقیده نمود. همچنین راجع به اداره رود هیرمند توسط کمیسیون دائم مرکب از نمایندگان افغانستان و ایران اشاره‌ای نکرده بعضاً به دو ایستگاه اندازه‌گیری مشترک که تعیین شده نزدیک به سرحد ایران بوده که منظور دولت ایران را تأمین نمی‌کرد، زیرا نظر اصلی دولت ایران این بوده که جلو آب در بالای افغانستان صورت گرفته شود که مقدار کمتر از قرارداد گلداسمیت به بند کمال خان مقسم آب افغانستان و ایران برسد (۲) کمیسیون نسبت به اثرات سد کجکی و ذخیره سیلاب در دریاچه هامون که برای مراتع سیستان از نظر دام‌پروری اهمیت حیاتی باشد. هیچ‌گونه اظهار عقیده صریح و روشن نمود از (Larsen, 2009).

به هر حال بر اساس این پیمان قرار بود ۲۲ متر مکعب در ثانیه از آب رودخانه هیرمند در دانا و چهار متر مکعب در ثانیه‌ای خریداری شده از افغانستان به عنوان سهم ایران در نظر گرفته شود که بدین ترتیب آب وارد شده به سیستان ایران ۳۶ متر مکعب در ثانیه می‌رسید، حتی قرار بود پادشاه افغانستان نیز دو متر مکعب آب در ثانیه به پادشاه ایران ببخشد. البته رقم ۲۲ متر مکعب در ثانیه هنگامی زیربنای ادعاهای افغان‌ها قرار گرفت که کمیسیون به اصطلاح بی‌طرف در سال ۱۳۲۷هـ ش (۱۹۴۹م) از سوی آمریکا بیان تشکیل شد و این رقم را به عنوان میزان آب مورد نیاز دو طرف در دلتای رودخانه هیرمند ملاک قرار داد، اما اگرچه این رقم از میزان یک سوم آب سهمی ایران تعیین شده از سوی حکمت ۱۹۰۵م مک ماحون نیز به مراتب بیشتر بوده ولی در آن هنگام افغان‌ها از پذیرفتن سرباز زدند. با توجه به نقص بسیار در مفاد رای صادره، دولت ایران آن را رد کرد و نپذیرفت و مجدداً ایران پیشنهاد کرد که هر یک از دو دولت مبنی را برای مذاکره و بررسی بیشتر تعیین نمایند تا بر اساس گزارش تهیه شده و سوابق موجود و حقوق بین‌الملل راه حل معادلانه‌ای برای خاتمه دادن به موضوع اختلاف به دست آید. نهایتاً مذاکرات طرفین در سال ۱۳۲۵ ش در سفارت ایران در واشنگتن آغاز گردید که به دلایل اتخاذ مواضع محکم از طرف دو دولت و عدم توافق در مورد حقایق بستان که در واقع موضوع اصلی مذاکرات بود. نتیجه‌ای حاصل نگردید به ویژه اینکه این بار افغان‌ها در بسیاری از موارد به نظرات کمیسیون تلنا که به نفع آن‌ها بود استناد می‌جستند و نظریه ایران را درباره احداث سدهای کجکی و ارغنداب مبنی بر اینکه به سهمیه ایران لطمه می‌زند وارد دانستند. در نتیجه موضوع همچنان لاینحل باقی ماند در سال ۱۳۳۷ مش (۱۹۵۹م) ایران به مناسبت سالگرد استقلال افغانستان بار دیگر، موضوع مذاکرات بر سر هیرمند را پیش کشید که متعاقب آن سفیر افغانستان ضمن پیشنهاد مذاکرات با در نظر گرفتن رای کمیسیون دالینا (طرح آمریکایی مبنی بر حقایق بتان به میزان ۲۲ متر مکعب بر ثانیه برای مدت ۵ سال به

طور آزمایشی تعیین و همچنین اعلام داشت که دولت افغانستان با افزایش میزان سهم ایران از ۲۲ متر مکعب در ثانیه به ۴۶ متر مکعب در ثانیه موافقت دارد، لکن باز هم به نتیجه‌ای نرسید (Marshall, 2012).

از این تاریخ تا سال ۱۳۴۷ مش نمایندگانی از دو طرف در سطوح مختلف همچنان مسافرت‌هایی به کشورهای یکدیگر انجام یابد و مذاکراتی را به عمل آوردند و این روند ادامه داشت تا اینکه سرانجام در همان سال به هنگام سفر صدراعظم وقت افغانستان به تهران تصمیم گرفته شد طرح موافقت‌نامه‌ای از جانب افغانستان تهیه و به دولت ایران تسلیم شود. طرح مورد نظر شهیه و توسط سفیر وقت ایران در کابل به دولت ایران تسلیم شد و مورد مطالعه قرار گرفت. این مذاکرات تا سال ۱۳۵۰ ه. ش (۱۹۷۳ م) که کمبود آب به شدت احساس می‌شد ادامه یافت. در خرداد ماه ۱۳۵۰ دولت افغانستان از ایران دعوت نمود میانی برای مشاهده چگونگی کمبود آب هیرمند و اقدامات فوریه که باید انجام شود، به آن کشور اعزام نماید (Sandström Etal., 2016)، لذا مبانی مرکب از مقامات وزارت امور خارجه، وزارت آب و برق به افغانستان سفر نمودند، مذاکرات طرفین مجدداً تا سال ۱۳۵۱ مش (۱۹۷۳ م) ادامه یافت و سرانجام به تهیه و تنظیم یک معاهده در ۱۲ ماده به زبان‌های فارسی (دری)، بشنو و انگلیسی در دو نسخه که هر دو دارای اعتبار من مساوی بودند. در خصوص آب هیرمند موافقت شد و درباره دو پروتکل یکی در خصوص وظایف کمیسیون آب و دیگری ناظر به حل اختلاف از طریق حکمیت توافق شد به موجب این معاهده سهمیه آب ایران از هیرمند به طور متوسط ۳۶ متر مکعب در هر ثانیه تعیین گردید. همچنین طرفین توافق کردند که تأسیسات مشترک و مناسبی با شرایط مورد قبول، أحداث و علائم لازمی نصب نمایند تا مقادیر معین آب مندرج در مواد این معاهده به صورت مؤثر و دقیق اندازه‌گیری و تحویل شود و از هرگونه اقدامی که موجب نقصان یا قطع حقا به ایران می‌شود توسط طرف افغانی جلوگیری گردد.

پیشنهاد بیشتر از مقداری که طبق معاهده تثبیت شده، نداشته باشد، حتی اگر مقادیر آب بیشتری هم در بالای سفلی هیرمند فراهم باشد از سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۲ م) به بعد تصمیم بر این گرفته شد که حضور و نفوذ غرب در افغانستان تقویت شود. از طرفی کشورهای انحراف افغانستان چون کویت عربستان و ایران تصمیم گرفتند که پیشنهاد یک رشته کمک‌های بلاعوض و گشایش اعتبارهای طویل‌المدت را به دولت افغانستان بنمایند. مهم‌ترین این کمک‌ها پیشنهاد اعتبارهای مالی عظیم از سوی ایران در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۴ م) بود که شاه ایران یک کمک دو میلیارد دلاری را برای توسعه برنامه هفت‌ساله افغانستان در نظر گرفت (Sawin, 2000).

داوود خان به تهران آمد و با محمدرضا پهلوی دیدار کرد و از همان زمان روند نزدیکی روابط دو کشور آغاز شد. در همان سال کمیسیون همکاری‌های اقتصادی افغانستان و ایران در تهران ایجاد شد که اقدام به برنامه‌ریزی‌های عمرانی در افغانستان نمود و ایران تأمین هزینه‌های تکمیلی این برنامه را بر عهده گرفت (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷) در دوره صدر امت محمد داوود خان، افغانستان به سرعت به اتحاد شوروی بود یک کودید با آن دولت پیوندهای مختلف بافت بعد دیگر سیاست خارجی دوران صدارت وی، مسئله پشتونستان بود. وی که در سپتامبر ۱۹۵۳ میلادی به کرسی صدارت نشسته برای به دست آوردن توجه آمریکا در برقراری روابط نظامی با افغانستان، در گام نخست مذاکره با پاکستان را آغاز کرد در ارزیابی کلی سیاست خارجی افغانستان در زمان محمد ظاهر شاه باید به شرایط بعد از جنگ جهانی دوم اشاره کرد، شرایطی که بریتانیا از جنگ، خسته و فرسوده بیرون آمده و اوضاع

جهان دگرگون شده بود، آغاز دوره جهان دوقطبی آمریکا و شوروی مصادف با سلطنت محمد ظاهر شاه بود. در این دوره افغانستان تلاش‌هایی را برای نزدیک شدن به آمریکا و دریافت کمک‌های نظامی از این کشور انجام داد (Shackleton and Pandey, 2014).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل

به منظور سنجش آماره‌های توصیفی، از نرم‌افزار SPSS به منظور به دست آوردن میزان میانگین حجم نمونه و با استفاده از نرم‌افزار excel به منظور ترسیم نمودارهای هر یک از شاخص‌ها استفاده می‌نماییم. به منظور ثبت یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌های تحقیق ابتدا داده‌های پرسشنامه توسط طیف لیکرت کدگذاری گردید و سپس در محیط variable view و بر اساس مقیاس از نوع متغیر رتبه‌ای (ترتیبی) فرآیند کدگذاری انجام گرفت. پس از کدگذاری از دستور زیر فرآیند محاسبات میانگین هر کدام از متغیرها در نرم‌افزار SPSS انجام گرفت:

Analyze--->Descriptive Statistics--->Frequencies

آمار توصیفی مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل در روابط ایران و افغانستان به صورت جدول ۴-۸ می‌باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی شاخص‌های عوامل هیدروپلیتیکی در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل در روابط ایران و افغانستان

سنجش شاخص‌ها	میانگین گویه	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
تغییر مسیر رودخانه هریرود	۴,۱۳	۱۹/۶۵	۱۹/۶	۱۹/۶
سدسازی و تغییر مسیر رود هیرمند	۴,۳۲	۲۰/۵۵	۲۰/۶	۴۰/۲
کنترل قسمتی از آب رودخانه هریرود	۴,۱۸	۱۹/۸۹	۱۹/۹	۶۰/۱
دست‌درازی به آب رودخانه هریرود و ایجاد موانع طبیعی	۴,۲۱	۲۰/۰۳	۲۰/۰	۸۰/۱
اختلافات تقسیم آب هریرود و هیرمند	۴,۱۸	۱۹/۸۹	۱۹/۹	۱۰۰/۰
جمع	۲۱/۰۲	۱۰۰	۱۰۰	

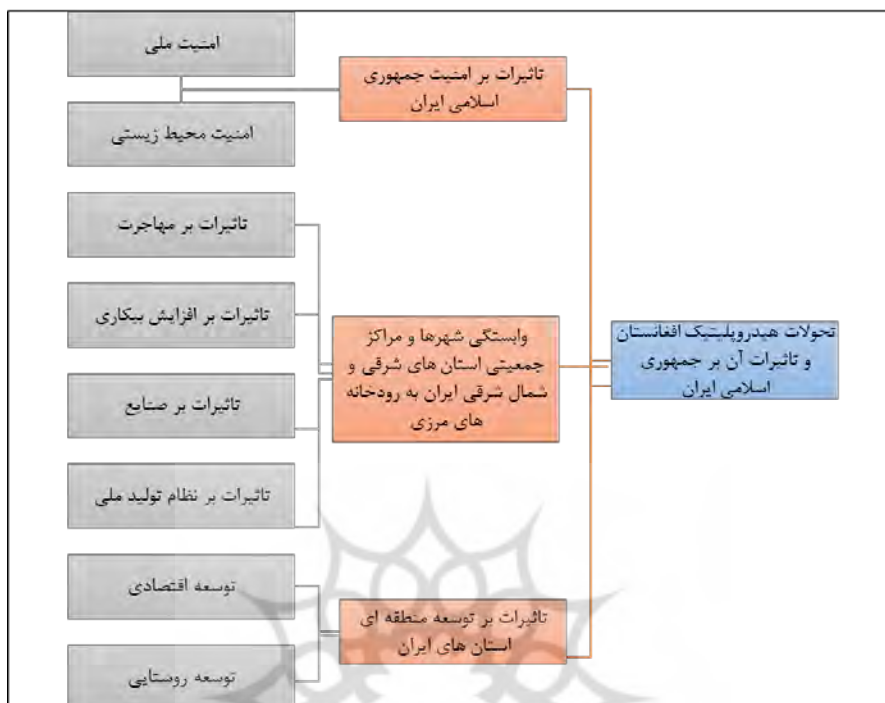
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

عوامل هیدروپلیتیکی در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل در روابط ایران و افغانستان، نتایج نشان می‌دهد که ۱۹,۶ درصد افراد درصد افراد تغییر مسیر رودخانه هریرود، ۲۰,۵۵ درصد افراد سدسازی و تغییر مسیر رود هیرمند، ۱۹,۸۹ کنترل قسمتی از آب رودخانه هریرود را به عنوان عامل تنش‌زا، ۲۰,۰۳ درصد افراد دست‌درازی و ایجاد موانع طبیعی به آب رودخانه هریرود به عنوان تنش‌زا و نیز ۱۹,۸۹ اختلافات تقسیم آب میان رودهای هیرمند و هریرود را از جمله مهم‌ترین عوامل تنش‌زا بین دو کشور ایران و افغانستان را تلقی می‌کنند. در این زمینه سدسازی و تغییر مسیر رود هیرمند بیش از سایر عوامل و همچنین دست‌درازی به آب رودخانه هریرود و ایجاد موانع طبیعی توسط کشور افغانستان بالاترین میزان عوامل هیدروپلیتیک تنش‌زا در روابط ایران و افغانستان محسوب می‌شود. همچنین تغییر مسیر هریرود نیز در این زمینه کمترین عامل به عنوان عامل هیدروپلیتیک تنش‌زا در روابط میان ایران و افغانستان محسوب می‌شود.

آمار توصیفی اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران

آمار توصیفی بخش حاضر، اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران به ۳ بخش زیر تقسیم می‌شود:

- تأثیرات بر امنیت جمهوری اسلامی ایران
- وابستگی شهرها و مراکز جمعیتی استان‌های شرقی و شمال شرقی ایران به رودخانه
- تأثیرات بر توسعه منطقه‌ای استان‌های ایران



نمودار ۱: شاخص‌های اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

آمار توصیفی تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

تحولات هیدروپلیتیک تنش‌زا، همان‌طور که در مبحث قبل به آن اشاره گردید (شامل تغییر بستر رودخانه‌ها، ایجاد موانع طبیعی، تغییر مسیر رودهای هیرمند و هریرود، کنترل قسمتی از آب به منظور احداث سد‌ها و نیز اختلافات این کشور با ایران در زمینه ایران) تلقی می‌شود، در بخش حاضر به تحلیل و ارزیابی این عوامل تنش‌زا و تأثیرات آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر ۱۰ شاخص مهم در این زمینه پرداخته می‌شود.

جدول ۲: ارزیابی شاخص‌های تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر امنیت جمهوری اسلامی

سنجش شاخص‌ها	میانگین گویه	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر بحران‌های قومیتی	۳,۷	۹,۶۶	۹,۷	۹,۷
تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر منافع ملی	۴,۰۵	۱۰,۵۷	۱۰,۶	۲۰,۲
تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر بحران آب	۴,۱۳	۱۰,۷۸	۱۰,۸	۳۱,۰
تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر ناامنی مرزهای شرقی	۳,۷۹	۹,۸۹	۹,۹	۴۰,۹
تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر کاهش حمایت‌های سیاسی ایران از افغانستان	۳,۳۳	۸,۶۹	۸,۷	۴۹,۶
تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر کاهش حمایت‌های فرهنگی ایران از افغانستان	۳,۴۶	۹,۰۳	۹,۰	۵۸,۶
تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر کاهش حمایت‌های اقتصادی ایران از افغانستان	۳,۶۸	۹,۶۰	۹,۶	۶۸,۲
تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و افزایش گروه‌های تروریستی در ایران	۳,۶	۹,۳۹	۹,۴	۷۷,۶
تحولات هیدروپلیتیک افغانستان بر افزایش خشکسالی در ایران	۴,۱۸	۱۰,۹۱	۱۰,۹	۸۸,۵
تحولات هیدروپلیتیک افغانستان بر افزایش بحران‌های محیط زیستی ایران	۴,۴	۱۱,۴۸	۱۱,۵	۱۰۰,۰
جمع	۳۸,۳۲	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جداول آماری در زمینه تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر امنیت جمهوری اسلامی، نتایج نشان می‌دهد که در زمینه، تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر بحران‌های قومیتی، ۹,۶۶ درصد، تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر منافع ملی، ۱۰,۵۷ درصد، تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر بحران آب، ۱۰,۷۸ درصد، تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر ناامنی مرزهای شرقی ۹,۸۹ درصد، تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر کاهش حمایت‌های سیاسی ایران از افغانستان ۸,۶۹ درصد، تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر کاهش حمایت‌های فرهنگی ایران از افغانستان، ۹,۰۳ درصد، تأثیر هیدروپلیتیک افغانستان بر کاهش حمایت‌های اقتصادی ایران از افغانستان ۹,۶۰ درصد، تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و افزایش گروه‌های تروریستی در ایران ۹,۳۹ درصد، تحولات هیدروپلیتیک افغانستان بر افزایش خشکسالی در ایران ۱۰,۹۱ درصد و تحولات هیدروپلیتیک افغانستان بر افزایش بحران‌های محیط زیستی ایران ۱۱,۴۸ درصد است.

بر اساس آمار و یافته‌ها، نتایج نشان می‌دهد که در این زمینه، بیشترین تأثیرات اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان، بر افزایش بحران‌های محیط زیستی، افزایش خشکسالی‌ها در ایران، بر بحران آب و در نهایت بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

آمار توصیفی تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر وابستگی شهرها و مراکز جمعیتی استان‌های شرقی و شمال شرقی ایران

در راستای تحلیل تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر وابستگی شهرها و مراکز جمعیتی استان‌های شرقی و شمال شرقی ایران، در بخش حاضر به تحلیل و ارزیابی این عوامل تنش‌زا و تأثیرات آن بر امنیت مراکز جمعیتی استان‌های شرقی و شمال شرقی ایران تحت تأثیر ۱۰ شاخص مهم در این زمینه پرداخته می‌شود.

جدول ۳: ارزیابی شاخص‌های تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر وابستگی شهرها و مراکز جمعیتی استان‌های شرقی و شمال شرقی ایران

سنجش شاخص‌ها			
میانگین	درصد	درصد	درصد
گویه	د	واقعی	تجمعی
۳,۹۵	۸.28	۸.3	8.3
۴,۰۳	۸.45	۸.4	16.7
۳,۶۸	۷.71	۷.7	24.4
۴,۰۳	۸.45	۸.4	32.9
جنوبی			
۳,۹۸	۸.34	۸.3	41.2
۳,۸۸	۸.13	۸.1	49.4
۴,۰۸	۸.55	۸.5	57.9
۳,۷۰	۷.75	۷.8	65.7
۳,۶۰	۷.54	۷.5	73.2
۴,۱۸	۸.76	۸.8	82.0
۴,۲۸	۸.97	۹.0	90.9
۴,۳۳	۹.07	۹.1	100.0
38.32	100	100	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جداول آماری در زمینه تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر امنیت جمهوری اسلامی، نتایج نشان می‌دهد که در زمینه، افزایش مهاجرت در شهرستان‌های استان خراسان جنوبی ۸,۲۸ درصد، در زمینه افزایش

مهاجرت در شهرستان‌های استان خراسان رضوی ۸,۴۵ درصد، افزایش مهاجرت در شهرستان‌های استان خراسان شمالی ۷,۷۱ درصد، بیکاری در شهرستان‌های سه استان خراسان رضوی-خراسان شمالی و خراسان جنوبی ۸,۴۵ درصد، کاهش تولیدات صنایع غذایی در استان خراسان جنوبی ۸,۳۴ درصد، کاهش تولیدات صنایع آشامیدنی در استان خراسان جنوبی ۸,۱۳ درصد، کاهش تولیدات محصولات کشاورزی در استان خراسان جنوبی ۸,۵۵ درصد، کاهش صنعت توریسم در استان خراسان رضوی ۷,۷۵ درصد، کاهش تولیدات محصولات کشاورزی در استان خراسان شمالی ۷,۵۴ درصد، افزایش مهاجرت‌ها از شهرهای استان سیستان و بلوچستان ۸,۷۶ درصد، افزایش بیکاری در شهرهای استان سیستان و بلوچستان ۸,۹۷ درصد و کاهش محصولات کشاورزی در استان سیستان و بلوچستان ۹,۰۷ درصد است.

بر اساس آمار و یافته‌ها، نتایج نشان می‌دهد که در این زمینه، بیشترین تأثیرات اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان، بر کاهش محصولات کشاورزی در استان سیستان و بلوچستان، افزایش بیکاری در شهرهای استان سیستان و بلوچستان و افزایش مهاجرت‌ها از شهرهای استان سیستان و بلوچستان بوده است. در واقع نتایج نشان می‌دهد که اقدامات هیدروپلیتیک تنش‌زا افغانستان بیشتر برای استان سیستان و بلوچستان آسیب‌زا بوده است.

آمار توصیفی تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر توسعه منطقه‌ای ایران

با توجه به تأثیرات اقدامات تنش‌زای هیدروپلیتیک بر دو مبحث قبل که مورد بحث قرار گرفت. در نهایت تأثیر اقدامات هیدروپلیتیک تنش‌زای افغانستان بر توسعه منطقه‌ای ایران، مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در گام نخست نتایج آمار توصیفی آن به صورت جدول ارائه می‌گردد.

جدول ۴: آمار توصیفی شاخص‌های تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر توسعه منطقه‌ای ایران

سنجش شاخص‌ها	میانگین گویه	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
اختلافات هیدروپلیتیک و کاهش صنعت کشاورزی در استان‌های شرقی	۴,۲	35.26	35.3	35.3
اختلافات هیدروپلیتیک و کاهش فعالیت‌های گردشگری در استان‌های شرقی	۳,۷۸	31.74	31.7	67.0
اختلافات هیدروپلیتیک و عدم سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های خصوصی و دولتی	۳,۹۳	33.00	33.0	100.0
جمع	۲۱,۰۲	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بر اساس جداول آماری ۴-۱۴ و ۴-۱۵، نتایج نشان می‌دهد، در زمینه شاخص‌های تحولات هیدروپلیتیک افغانستان و تأثیرات آن بر توسعه منطقه‌ای ایران ۳۵,۲۶ درصد اختلافات هیدروپلیتیک در کاهش صنعت کشاورزی در استان‌های شرقی، ۳۱,۷۴ درصد اختلافات هیدروپلیتیک و کاهش فعالیت‌های گردشگری در استان‌های شرقی و ۳۳ درصد اختلافات هیدروپلیتیک، عدم سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های خصوصی و دولتی را در پی داشته است. نتایج نشان می‌دهد که در این زمینه تحولات و اختلافات هیدروپلیتیک افغانستان و ایران در زمینه توسعه منطقه‌ای ایران، بیشتر از سایر عوامل بر کاهش تولیدات صنعت کشاورزی در استان‌های شرقی ایران تأثیرگذار خواهد بود.

آمار توصیفی تأثیرات اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان بر ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل

همواره مبحث رودخانه‌ها و یا دریاچه‌های مرزی، در طول تاریخ و در ابعاد وسیع، مورد اختلاف کشورهای همسایه و کشورهای مجاور گشته و اگر بحران‌های هیدروپلیتیک، به همکاری منجر نشود، سبب افزایش تنش‌ها در طول سال‌های پیش رو خواهد شد و به موجب آن افزایش تنش‌های آن در ابعاد وسیع‌تر نیز گسترش خواهد یافت. در

حال حاضر مسئله هیدروپلیتیک افغانستان همان‌گونه که در فصل ۳ به آن اشاره گردید، از جمله بحران‌های هیدروپلیتیکی در سطح جهان و در سطح منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌شود و ادامه این بحران‌ها می‌تواند آسیب‌های جدی را به ساختار روابط بین‌الملل میان سه کشور ایران - افغانستان و ترکمنستان وارد نماید. در این راستا در بخش حاضر، آماره‌های توصیفی مرتبط با ۴۰ نفر از پاسخگویان پرسشنامه‌های تحقیق، در ابعاد ۱۰ گویه مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد

جدول ۵: شاخص‌های تأثیرات اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان بر ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل

سنجش شاخص‌ها	میانگین گویه	درصد	درصد واقعی	درصد تجمعی
کاهش روابط فرهنگی میان ایران و افغانستان	۳,۴	۱۱.۹۱	۱۱.۹	۱۱.۹
کاهش روابط اقتصادی میان ایران و افغانستان	۳,۵۵	۱۲.۴۴	۱۲.۴	۲۴.۳
کاهش سطح دیپلماسی روابط سیاسی میان ایران و افغانستان	۳,۴	۱۱.۹۱	۱۱.۹	۳۶.۲
کاهش حمایت‌های امنیتی ایران از افغانستان	۳,۲۵	۱۱.۳۹	۱۱.۴	۴۷.۶
کاهش حمایت‌های ایران از تبعه‌های افغانستانی	۳,۳	۱۱.۵۶	۱۱.۶	۵۹.۲
کاهش امنیت منطقه‌ای	۳,۸۸	۱۳.۵۹	۱۳.۶	۷۲.۸
کاهش حمایت‌های انرژی ایران از افغانستان	۳,۹۳	۱۳.۷۷	۱۳.۸	۸۶.۶
کاهش حمایت‌های ترانزیتی ایران از افغانستان	۳,۸۳	۱۳.۴۲	۱۳.۴	۱۰۰.۰
جمع	۲۸.۵۴	۱۰۰	۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بر اساس جداول آماری ۴-۱۶ و ۴-۱۷، در زمینه شاخص‌های تأثیرات اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان بر ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل، نتایج نشان می‌دهد که در این زمینه، کاهش روابط فرهنگی میان ایران و افغانستان ۱۱,۹۱ درصد، کاهش روابط اقتصادی میان ایران و افغانستان ۱۲,۴۴ درصد، کاهش سطح دیپلماسی روابط سیاسی میان ایران و افغانستان ۱۱,۹۱ درصد، کاهش حمایت‌های امنیتی ایران از افغانستان ۱۱,۳۹ درصد، کاهش حمایت‌های ایران از تبعه‌های افغانستانی ۱۱,۵۶ درصد، کاهش امنیت منطقه‌ای ۱۳,۵۹ درصد، کاهش حمایت‌های انرژی ایران از افغانستان ۱۳,۷۷ درصد و کاهش حمایت‌های ترانزیتی ایران از افغانستان ۱۳,۴۲ درصد است. بر اساس آمار و یافته‌ها، نتایج نشان می‌دهد که در زمینه تأثیرات اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان بر ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل، اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان بر کاهش حمایت‌های انرژی ایران از افغانستان، کاهش امنیت منطقه‌ای، کاهش حمایت‌های ایران از تبعه‌های افغانستانی و کاهش حمایت‌های ترانزیتی ایران از افغانستان بیشترین تأثیر را دارا می‌باشد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

همواره در چارچوب توسعه نوین روابط بین‌الملل، عوامل مختلفی دخیل بوده که به نوبه خود دارای وجوه و ابعاد مختلف همگرایانه و واگرایانه می‌باشد. یکی از این عوامل رودخانه‌های مرزی هستند. برخی از مهم‌ترین نقاط حساس مرزی کشور به ویژه از بعد امنیتی در مناطقی جای دارند که به گونه‌ای با مسئله آب در ارتباطاند. یکی از این مرزها برای ایران مرز شرقی است که بهره‌برداری از آب‌های مرزی مشترک در آن جنبه هیدروپلیتیکی پیدا کرده است و این موضوع عملاً به یک اهرم سیاسی اقتصادی در دست دولت افغانستان تبدیل شده است. تا از آن در روابط سیاسی و موازنه قدرت با ایران استفاده کند. این ویژگی سبب شده که ایران در موقعیت فرودست و نابرابر قرار بگیرد. به گونه‌ای که تا قبل از انقلاب اسلامی هر جا روابط سیاسی دو کشور دوستانه بوده، کشور بالادستی

(افغانستان) به قراردادهای منعقد شده در این باب عمل کرده و حتی افغانستان ۴ متر مکعب بر ثانیه به حقایق ایران اضافه کرده و هر جا که روابط سیاسی دوستانه نبوده و یا اوضاع دو کشور (چه بالادستی و چه پایین‌دستی) متشنج بوده، حقایق ما از هیرمند به درستی تحویل ایران داده نشده است. با توجه به لحاظ کردن منافع ملی در دسترسی ایران به آب‌های افغانستان، نوع رابطه ایران با آمریکا و کمک‌هایی که این کشور در توسعه کشاورزی و سدسازی در افغانستان می‌نماید. این نتیجه را عاید می‌شود که روابط منطقی با قدرت‌های خارجی، استفاده عادلانه آب‌های خروجی افغانستان را برای ایران به دنبال دارد؛ و بالعکس نوع رابطه بد باعث تقویت موضع افغانستان در برابر ایران می‌شود. این در حالی است که عمدتاً ایران از طریق هریرود و هیرمند به منابع آبی خارج از مرزهای خود و مشخصاً افغانستان وابسته است؛ و این امر نوعی چالش ژئوپلیتیکی برای ایران محسوب می‌شود. تحقیق حاضر همواره سه هدف زیر را مورد ارزیابی و مطالعه قرار داده است:

- مهم‌ترین عوامل هیدروپلیتیکی تنش‌زا در ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل در روابط ایران و افغانستان
- اقدامات هیدروپلیتیکی افغانستان و تأثیرات آن بر جمهوری اسلامی ایران
- تأثیرات اقدامات هیدروپلیتیک افغانستان بر ساختار توسعه نوین روابط بین‌الملل

در قسمت کیفی داده‌ها، شاخص‌هایی نظیر اولویت‌های دولت افغانستان در جهت مدیریت منابع آب (تحت چهار عامل: منابع آب و توسعه شهرها، منابع آب و توسعه کشاورزی (زراعت و باغداری-دام و طیور-جنگلداری)، منابع آب و توسعه صنعت و در نهایت منابع آب و توسعه انرژی مورد ارزیابی قرار گرفت. در این زمینه‌ها، نتایج نشان داد که کشاورزی مهم‌ترین بخش اقتصاد افغانستان را تشکیل می‌دهد و از جمله مشکلات فعلی کشاورزان افغانستان امروزه عدم داشتن تجهیزات مدرن در زمینه آبیاری باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی می‌باشد که این مسئله به خودی خود، میزان آب زیادی را مصرف می‌کند. بر اساس آمار و داده‌های مرکز ملی آمار افغانستان، علوفه جات، حبوبات و میوه‌جات تازه، بیشترین عوامل تولید محصولات کشاورزی در کشور افغانستان می‌باشد.

در حال حاضر محصولات کشاورزی در سال ۲۰۱۹ نسبت به سال ۲۰۱۵، حدود ۳۵۴ تن افزایش داشته است و این مسئله نشان می‌دهد که افغانستان با افزایش سدها، کنترل منابع آب و تغییرات مسیر رودخانه توانسته در زمینه کشاورزی رشد چشمگیری داشته باشد. بخش بعدی مصرف زیاد آب در افغانستان، مصرف آن در صنعت است که در این میان صنعت پنبه، صنایع تولید گچ و سیمان و نیز صنایع طلا و آبکاری طلا و صنعت پرورش ماهی‌های زینتی و آکواریومی از جمله صنایع مهم افغانستان را پس از کشاورزی تشکیل می‌دهند. با توجه به مطالعات صورت گرفته، نتایج نشان داد که از میان سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، ارزش مصرف آب در کشور افغانستان حدود ۵ برابر افزایش یافته است و همچنین میزان مصرف آب در این بخش نیز بیش از ۴٫۵ برابر شده است. در زمینه انرژی نیز بر اساس آمارها، نتایج نشان می‌دهد که کشور افغانستان ظرفیت تولید انرژی بالقوه این کشور ۲۴۰۰۰ مگاوات است که در حال حاضر ۲۳۰۰۰ مگاوات آن از طریق سدها و آب‌های افغانستان تأمین می‌شود. از جمله مهم‌ترین سدهای افغانستان که در این زمینه فعالیت دارند می‌توان به سد سلما، سد کجکی، سد ماهیپر، سد سروبی و سد سرده اشاره کرد. در بخش بعدی پژوهش حاضر، وضعیت بهره‌برداری از رودهای مرزی افغانستان و ایران مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که در حال حاضر سدهای متعددی بر روی رودهای هریرود و هیرمند احداث شده است که

بیشتر آن‌ها به منظور استفاده از انرژی برق می‌باشد و احداث این سدها در کاهش آب ورودی به سمت ایران بسیار تأثیرگذار بوده است و در واقع حجم آب ورودی به ایران را در طی ده سال گذشته به نصف رسانده است. به عنوان نمونه سد سلما دارای ظرفیتی بالغ بر ۶۴۰ میلیون متر مکعب آب می‌باشد، که در حال حاضر ۴۳ مگاوات برق تولید می‌کند. یکی از مهم‌ترین سدهای دیگر در افغانستان، سد کجکی می‌باشد که بر روی رود هیرمند احداث شده است. ظرفیت آبیگری این سد ۲٫۸ میلیارد متر مکعب می‌باشد که یکی از بزرگ‌ترین سدهای آسیای مرکزی است. در طی سال‌های گذشته به جهت خشک‌سالی در افغانستان به عنوان سرچشمه آب هیرمند با بسته شدن دریچه‌های سد کجکی و کاهش ورودی آب به هیرمند در ایران در بین دو کشور اختلافاتی بروز کرد که در نتیجه مسائل حاضر در سال ۲۰۱۴ سبب خشک شدن تالاب بین‌المللی هامون گشت. در طی سال‌های گذشته، کشور افغانستان به منظور توسعه کشاورزی، احداث سد و توسعه صنعت، اقدامات تنش‌زای متفاوتی انجام داده است. در مقابل ایران نیز مشترکاً با احداث سد دوستی، سعی در افزایش و ذخیره میزان آب ورودی به کشور را داشت که در نتیجه در بخشی از تحقیق به ارزیابی عوامل مورفولوژیکی مؤثر بر تغییر بستر هریرود را مورد واکاوی قرار داده است.

در راستای کاهش اختلافات هیدروپلیتیکی میان دو کشور ایران و افغانستان می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

- با توجه به این نکته که بیشترین مصرف آب در حوضه هریرود در بخش کشاورزی است و نشان از اهمیت ویژه مدیریت تقاضای آب در این بخش دارد، پیشنهاد می‌گردد سناریوهای برای الگوی انواع آبیاری و کشت بررسی گردیده و در نهایت اثرات این راهبردها در صرفه‌جویی مصرف آب و منابع تحلیل گردد.
- در سطح سیاسی انجام موفقیت‌آمیز همکاری‌های آبی مستلزم تعیین ارزش واقعی آب و تعریف سبد منافع برای انجام همکاری‌های مشترک است. در این سبد، امکانات و نیازها در کنار یکدیگر مطرح و کشورها متعهد به رفع نیازها در ازای استفاده از امکانات یکدیگر می‌شوند؛ مثلاً کشورهای ایران و ترکمنستان متناسب با میزان همکاری افغانستان در تأمین نیازهای آبی‌شان به رفع نیازهای افغانستان در بخش‌های انرژی، ترانزیت، بازسازی و توسعه می‌پردازد.
- با توجه به اینکه اختلافات افغانستان و ایران بر سر حقوق مربوط به آب هیرمند نقش پراهمیت‌تری در رابطه دو کشور داشته است؛ لذا غیرسیاسی کردن مسئله آب هیرمند در دو کشور نقش مهمی در حل و فصل این موضوع خواهد داشت؛ و باید از سوی مقامات ذی‌ربط دو کشور مورد توجه قرار گیرد. همچنین دو ملت افغانستان و ایران باید با این حقیقت آشنایی یابند که رود هیرمند پس از رسیدن به ارغنداب، به ویژه پس از بند کمال خان، حق انحصاری هیچ‌کدام از طرفین نیست. اینکه هرکدام از دو سرزمین سیستان در ایران و نیمروز افغانستان حقوقی به اندازه نیاز آبی و آبیاری خود دارند.
- طرح‌های مشترک برای سرمایه‌گذاری در زمینه ساختن سدهای مخزنی و مهارکننده در مکان‌های مناسب واقع در دو رودخانه بین‌المللی به اجرا در آید.
- در یک برنامه مشترک و با سرمایه مشترک، دیواره‌های بتونی در ازای دو کرانه شاخه اصلی و شاخه‌های وابسته برای جلوگیری از هدر رفتن آب، ساخته شود.
- در صورت ناکامی در توزیع عادلانه منابع آب هریرود، جمهوری اسلامی ایران با همکاری ترکمنستان و با افزایش

فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه افغانستان، به دنبال توزیع عادلانه آب رود هریرود باشد.

• بهره‌گیری از رودخانه‌های هیرمند و هریرود، استفاده حقوقی و قانونی از رودخانه‌ای است مانند تمام رودخانه‌های بین‌المللی دیگر که بین دو یا چند کشور جاری است؛ بنابراین لازم است برای رفع اختلاف‌ها و جلوگیری از هر نوع گسترش دامنه تنش‌ها و تنش‌های چندین ساله بین افغانستان و ایران، دو کشور ضمن محور قرار دادن معاهدات، از قواعد و رویه‌های حقوقی بین‌المللی که حق استفاده کشورها از منافع حاصل از آب رودخانه‌های مشترک را مورد تأکید و تصریح قرار داده‌اند؛ جهت اجرای معاهده یاری جویند.

• به دلیل موقعیت فرودست ایران در نواحی مرزی سیستان و از طرف دیگر به دلیل اینکه رودخانه‌ی هیرمند یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های مرزی است و به عنوان شریان حیاتی سیستان تعبیر می‌شود، افزایش همکاری و تدوین موافقت‌نامه‌ی رسمی مبتنی بر توافق دو کشور در زمینه‌ی تجدیدنظر در تعیین مرز رود هیرمند و افزایش پایداری محیطی رودخانه به ویژه برای طرف ایرانی احساس می‌شود. در غیر این صورت امنیت انسانی این منطقه با تهدیدهای جدی روبرو خواهد شد. این تهدیدها پیامدهای اجتماعی - اقتصادی مانند وقوع مجدد مهاجرت مردم سیستان به دیگر مناطق و دیگر مسائل را به دنبال خواهد داشت.

• به دلیل اینکه افغانستان از لحاظ منابع هیدروکربنی چندان غنی نبوده و به خارج وابسته است، ایران می‌تواند در برابر مبادله دائمی آب با این کشور نیازهای هیدروکربنی آن را با شرایط آسان‌تری تأمین نماید که در صورت قطع آب هیرمند و هریرود، بتواند در برابر آن‌ها قدرت‌نمایی کند.

منابع

احمدیان، امیر ناصری، مهدی (۱۳۹۲)، بحران آب در آسیای مرکزی: با تأکید بر مناقشه کشورهای منطقه بر سر مسئله آب، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۶، شماره ۱۲.

اسمیت، آنتونی؛ هدفیلد، امیلیا (۱۳۹۱)، سیاست خارجی، نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، ترجمه امیر محمدحاج یوسفی و محسن محمودی و ایوب کریمی، جلد اول، تهران: نشر سمت.

آذربور، حسین و حمیدرضا کریم (۱۳۹۷)، تحلیل هیدروپلیتیک سد سلما بر توسعه شرق ایران، ششمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معماری و شهرسازی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

بای، یارمحمد (۱۳۹۴)، هیدروپلیتیک رودهای مرزی، تهران، ابرار معاصر.

برادن، کتلین، شلی، فرد (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک فراگیر، انتشارات تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

بزرگ زاده، عیسی (۱۳۹۷)، آب و رشد سبز: فراتر از تنوری برای آینده پایدار، انتشارات فرهنگ صبا، چاپ اول.

بس کر، ن. (۱۳۷۲)، آب، امنیت و خاورمیانه، ترجمه: پیروز ایزدی، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک دانشگاه امام حسین

(ع)

بهروج، حوا؛ پرویز رضا میرلطفی و حبیب اله جوان سیامردی (۱۳۹۷)، بررسی نتایج و پیامدهای سیاست آبی در مرز افغانستان و ایران با تکیه بر سیستان، همایش ملی پیشرفت پایدار؛ رهیافت تاریخ، فرهنگ و تمدن دارالولایه سیستان، تالار بزرگ فردوسی دانشگاه

سیستان و بلوچستان، دانشگاه سیستان و بلوچستان

پاپلی یزدی، محمد حسین، و وثوقی، فاطمه (۱۳۹۰)، نگاهی به دیپلماسی آب ایران، تهران، انتشارات پاپلی.

پارسا، بهزاد (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی دیپلماسی آب بر روابط ایران با کشورهای همسایه شرقی و غربی (هیدروپلیتیک رودخانه‌های

مرزی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- پوهنمل نجیب، آفا فهیم (۱۳۹۵)، آب، صلح و امنیت برای همه هیدروپلیتیک افغانستان عاملی بالقوه برای صلح پروری،
<https://afghanwaters.net/wp-content/uploads/Water-Peace-Security.pdf>
حافظ نیا، محمد رضا، مجتهدزاده، پیروز، علی زاده، جعفر (۱۳۹۷)، هیدروپلیتیک هیرمند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، فصلنامه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- حسین پور مطلق، مهدی (۱۳۸۹)، تحلیلی بر هیدروپلیتیک ناحیه شمال شرق ایران با تأکید بر رودخانه هریرود، همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران، <https://www.civilica.com/Paper-IGSCUT>
- حیدرزاده، یارمحمد (۱۳۹۴)، پنج حوزه آبی در کشور، شبکه اطلاع رسانی افغانستان <http://afghanpaper.com/nbody.php?id=>
- رضایی، قاسم، ۱۳۹۵، <http://www.tabnakistanbaluchestan.ir/fa/news/>
- سامعی، سمیرا (۱۳۹۸)، جغرافیای سیاسی و مناسبات هیدروپلیتیکی آب‌های مرزی ایران (رودخانه‌های غربی و شرقی)، دومین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم پایه و فنی و مهندسی، تهران، انجمن افق نوین علم و فناوری.
- شمس حبیبی (۱۳۹۷)، ریشه‌های ژئوپلیتیک بحران‌های هیدروپلیتیک در غرب آسیا (۲۰۲۰-۲۰۰۰): مطالعه موردی حوضه آبریز دجله و فرات، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- شوقی جوان، علی و آزاده احمدی (۱۳۹۵)، حل اختلاف در رودخانه‌های مرزی با استفاده از نظریه بازی‌ها مطالعه موردی: رودخانه هریرود، ششمین کنفرانس ملی مدیریت منابع آب ایران، کردستان، دانشگاه کردستان،
- صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۵)، هیدروپلیتیک و امنیت ملی (مطالعه موردی: کشورهای منطقه خلیج فارس)، فصلنامه راهبرد، سال ۲۵، شماره ۸۱.
- صالح آبادی، ریحانه (۱۳۹۳)، بررسی چالش‌های هیدروپلیتیک منابع آب در منطقه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۲.
- صالح عقیلی، طاهره سادات (۱۳۹۸)، هیدروپلیتیک در شبه قاره هند و تأثیر آن بر روابط هند، پاکستان و افغانستان در دوران پساچنگ سرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- صدرانیا، حسن (۱۳۹۷)، تحلیل مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان و ارائه الگوی مدیریت بهینه حوضه آبریز مشترک هریرود، رساله دکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۸)، جغرافیای سیاسی جهان اسلام: عوامل توانمند ساز برای دستیابی به وحدت، مجله سپهر، سازمان جغرافیایی وزارت دفاع، شماره ۷۲.
- عبدی، عطاالله، مختاری، حسین (۱۳۸۴)، نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدات هیدروپلیتیکی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک.
- عراقچی، سیدعباس (۱۳۹۵)، دیپلماسی آب‌های فرامرزی و نظام بین‌الملل: درس‌هایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- عزتی، عزت الله، خضری، محمدحسن، نیک فرجام، محبوبه (۱۳۹۰)، تحلیلی بر هیدروپلیتیک شرق ایران، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۱۹، شماره ۱۳.
- عسگری، محمود (۱۳۸۱)، نسبت نوین بین منابع آبی - امنیت ملی، «مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۱۶
- فروغی نعمت الهی، عباس و همکاران (۱۳۹۲)، تأثیر هیدروپلیتیک رودخانه‌های مرزی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال پنجم، شماره ۳.
- قادری، ابراهیم (۱۳۹۷)، بررسی وضعیت هیدروپلیتیک زاب کوچک در روابط سیاسی ایران و عراق، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- قربان نژاد، ربیاز، حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۶)، عوامل ژئوپلیتیکی منازعه در روابط بین‌الملل، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶)، روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها، چاپ دوم، تهران: نشر سمت.

کریمی، بایرام (۱۳۹۱). هیدروپلیتیک رود مرزی ارس (منازعه یا همکاری). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

کهربائیان، پروین، بهینانفر، ابوالفضل، شاکری زارع، حجت، رضائی عارفی، محسن (۱۳۹۳). تحولات مورفولوژیکی و الگوی پیچان رودی بستر رودخانه مرزی هریرود با استفاده از RS، پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، سال سوم، شماره ۳.

متقی، افشین؛ مراد کاویانی راد؛ سیدهادی زرقانی و حسن صدرانیا (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان در حوضه آبریز هریرود، فصلنامه مطالعات شبه قاره ۱۰ (۳۴)

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۸). هیرمند و هامون در چشم انداز هیدرو پللیتیک خاور ایران، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۲.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹). سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی، سمت.

مختاری هشی، حسین (۱۳۹۲). هیدروپلیتیک ایران؛ جغرافیای بحران آب در افق سال ۱۴۰۴، فصلنامه ژئوپلیتیک سال ۹، پاییز ۱۳۹۲ شماره ۳.

معدنی، جواد (۱۳۹۶). هیدروپلیتیک و امنیت غرب آسیا، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.

معصوم زاده سیار، سینا (۱۳۹۷). برآورد سطح پوشش برف حوضه آبریز هیرمند به کمک سنجنش از دور و استفاده از آن در بهبود رابطه هیدروپلیتیک ایران و افغانستان، پایان کارشناسی ارشد، دانشکده مهندسی عمران، گروه مهندسی آب، دانشگاه تبریز.

موسوی نیا، سیدعارف (۱۳۹۶). چالش‌های هیدروپلیتیک: مطالعه‌ی موردی ایران و عراق، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی ۴ (۳) مهدوی، داوود (۱۳۸۶). چالش‌ها و چشم اندازهای کنترل مؤثر مرزها (نگاهی راهبردی به آینده مرزها در ایران)، ماهنامه توسعه انسانی پلیس، شماره ۶.

میان‌آبادی، حجت (۱۳۹۱). آب، امنیت و رودخانه‌های مرزی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، دوره ۱، شماره ۱۴.

هاگت، پیتر (۱۳۷۹). جغرافیای ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: نشر سمت.

Boone, Jon (2017). "Adam Curtis's Bitter Lake, review: a Carry On Up the Khyber view of Afghanistan". The Spectator. London. Retrieved 20 November 2017.

Leithead, Alastair (2008) Getting tourists to Afghanistan's 'Grand Canyon'. BBC News. Retrieved on 2008-07-15 from http://news.bbc.co.uk/2/hi/south_asia/7506146.stm.

Baranyai, Gábor, 2020, European Water Law and Hydropolitics: An Inquiry into the Resilience of Transboundary Water Governance in the European Union, Series: Water Governance - Concepts, Methods, and Practice. Electronic ISBN: 978-3-030-22541-4.

Biba, Sebastian, 2018, China's Hydro-politics in the Mekong: Conflict and Cooperation in Light of Securitization Theory (Routledge Contemporary China Series), Routledge; 1 edition.

"Conker, Ahmet, Hussam, Hussein, 2019, Hydropolitics and issue-linkage along the Orontes River Basin: an analysis of the Lebanon-Syria and Syria-Turkey hydropolitical relations, Water International, 39(1).

Delang, C.O. 2006. Not just minor forest products: the economic rationale for the consumption of wild food plants by subsistence farmers. Ecological Economics, 59(1).

Finegan, Jack, 1997, Myth & Mystery: An Introduction to the Pagan Religions of the Biblical World. Baker Books, ISBN 0-8010-2160-X, 9780801021602.

Folch, Christine, 2019, The Itaipu Dam, Sovereignty, and the Engineering of Modern South America, Series: Princeton Studies in Culture and Technology 20.

"Fu, Y., Chen, J., Guo, H., Chen, A., Cui, J., and Hu, H. 2009. The role of non-timber forest products during agroecosystem shift in Xishuangbanna, southwestern China. Forest Policy and Economics, 11(1).

Larsen, Samuel T. L. 2009, "Lack of Freshwater Throughout the World". Evergreen State College. Retrieved 2009-02-01.

Marshall, Karla (2012). "Corps of Engineers to improve access to water, power in southern Afghanistan". Press Release, U.S. Army Corps of Engineers. Retrieved 25 June 2012.

Sandström, Emil, Jägerskog, Anders, Oestigaard, Terje, 2016, Land and Hydropolitics in the Nile River Basin: Challenges and new investments (Earthscan Studies in Water Resource Management), Earthscan Studies in Water Resource Management, 1st Edition.

Sawin, A, 2000, Water wars: fact or fiction?, Futures, 33.

Shackleton, C.M., and Pandey, A.K. 2014. Positioning non-timber forest products on the development agenda. Forest Policy and Economics, 38.

zafar, mehdi, 2015, Remains of the day: Bamiyan valley, Afghanistan, <https://www.livemint.com/Leisure/De7cyzowXyGWjC9cFpLAgJ/Remains-of-the-day-Bamiyan-valley-Afghanistan.html>

<https://www.nationsonline.org/>

<https://www.pinterest.com/>

